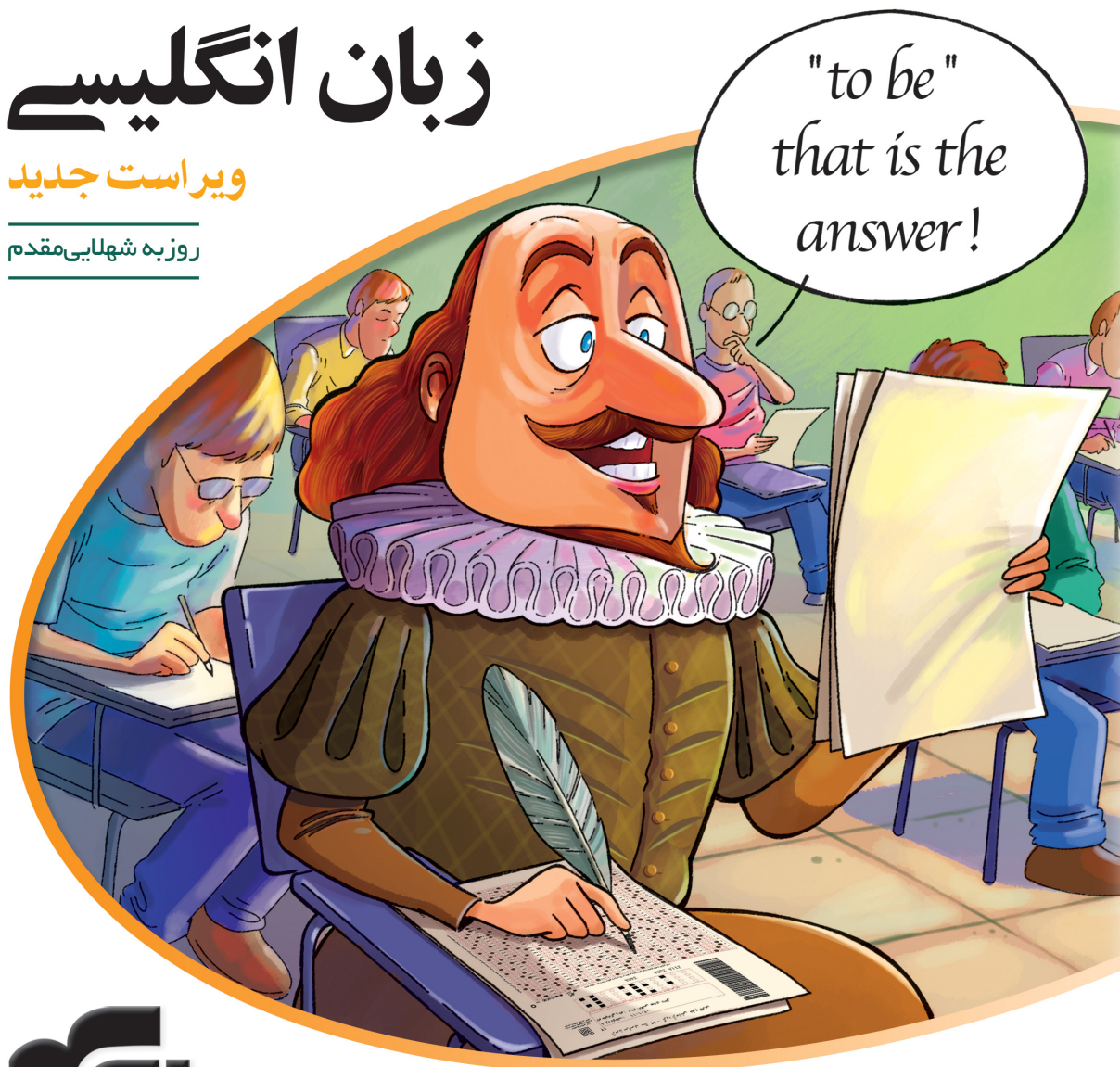


درس نامه + آزمون های مبحثی و جامع + پاسخ های تشریحی

موج آزمون زبان انگلیسی

ویراست جدید

روزبه شهبایی مقدم



انتشارات
انگلو

دوستان خوبم سلام،

امیدوارم حال همگی خوب باشد.

بسیاری از شما عزیزان هنوز درس زبان انگلیسی را برای کنکور به طور جدی مطالعه نکرده‌اید و بسیاری هم اگرچه زمانی را صرف این درس کرده‌اند، اما دائم در این فکر هستند که کدام منبع می‌تواند در فرصت کوتاه و دوران طلایی باقی‌مانده تا کنکور به بهترین شکل این درس مهم را جمع‌بندی کند. واقعیت این است که آن منبع، شاید همین کتاب موج آزمون زبان انگلیسی باشد. روش تألیف کتاب نیاز هر دو گروه مذکور را به بهترین شکل برآورده می‌کند. اجازه دهید بخش‌های این کتاب را برایتان توضیح دهم. این کتاب شامل ۷ آزمون دهم، ۹ آزمون یازدهم، ۹ آزمون دوازدهم، ۸ آزمون جامع و ۲۱ آزمون جامع کنکور سراسری ۹۸، ۹۹ و ۱۴۰۰ (کلیه رشته‌ها) می‌شود. در ابتدای هر درس، واژگان مهم در قالب جدول آموزشی گردآوری شده و در ادامه تست‌های کنکورهای سراسری سال‌های قبل به ترتیب آمده است. در مرحله بعد، درسنامه گرامری مختصری در حد کتاب درسی ارائه شده که لازمه تسلط بر آن حل تست‌های جمع‌بندی گرامر بعد از هر درس‌نامه است. در انتها، آزمون‌های جمع‌بندی هر درس در قالب ۲۵ سؤال مشابه با کنکور سراسری قرار دارد. با حل این آزمون‌ها و بررسی پاسخنامه مفصل تشریحی، تمامی آنچه که برای درس مورد نظر نیاز دارید در اختیار شماست! در انتهای کتاب نیز شش ضمیمه مهم قرار داده‌ام:

۱- جدول واژگان و اصطلاحات بخش‌های شنیداری کتاب‌های درسی دهم تا دوازدهم

۲- جدول واژگان بخش‌های پنهان کتاب‌های درسی دهم تا دوازدهم

۳- جدول کلماتی از کتاب‌های درسی که در یک معنی قابل شمارش و در معنی دیگر غیرقابل شمارش هستند.

۴- آمار کنکور سراسری ۹۸، ۹۹ (نظام جدید) و ۱۴۰۰

۵- واژگان مهم و خارج از کتاب کنکور سراسری ۹۸، ۹۹ (نظام جدید) و ۱۴۰۰

۶- سوالات گرامر کنکور سراسری نظام قدیم ۹۸ و ۹۹ (مرتبط با موضوعات کتاب‌های درسی نظام جدید)

■ ویژگی‌های بارز این کتاب را که بی‌تردید برای شما مهم است ببینید:

۱- تمامی تست‌ها و درس‌نامه‌های ارائه‌شده در حد کتاب درسی هستند؛

۲- انواع سؤالات رایج بخش ری딩 در قالب ۳۰ آزمون تألیفی گردآوری شده؛

۳- در طراحی سؤالات و درس‌نامه‌های آموزشی، تمامی نکات مهم و سؤال‌انگیز کتاب کار آموزش و پرورش مد نظر قرار گرفته؛

۴- سؤالاتی از کنکورهای سال‌های گذشته (در هر ۴ بخش گرامر، واژگان، کلوز تست و ریڈینگ)، متناسب با محتوای کتاب‌های

تازه تألیف؛ به صورت موضوعی و هدفمند در سراسر کتاب پخش شده‌اند.

امیدوارم پس از مطالعه این کتاب آزمون کنکور را با آرامش کامل در درس زبان تجربه کنید.

به امید قبولی شما در رشته دلخواهتان در دانشگاه.

فهرست

● فصل اول: زبان انگلیسی دهم

۲	درس اول: Saving Nature
۱۱	آزمون ۱
۱۴	درس دوم: Wonders of Creation
۲۱	آزمون ۲
۲۴	آزمون ۳: درس‌های ۱ و ۲
۲۷	درس سوم: The Value of Knowledge
۳۵	آزمون ۴
۳۸	درس چهارم: Traveling the World
۴۸	آزمون ۵
۵۱	آزمون ۶: درس‌های ۳ و ۴
۵۴	آزمون ۷: جامع سال دهم

● فصل دوم: زبان انگلیسی یازدهم

۵۸	درس اول: Understanding People
۶۶	آزمون ۸ و ۹
۷۲	درس دوم: A Healthy Lifestyle
۸۲	آزمون ۱۰ و ۱۱
۸۸	آزمون ۱۲: درس‌های ۱ و ۲

۹۱

درس سوم: Art and Culture

۹۹

آزمون ۱۳ و ۱۴

۱۰۵

آزمون ۱۵: درس‌های ۲ و ۳

۱۰۸

آزمون ۱۶: جامع سال یازدهم

● فصل سوم: زبان انگلیسی دوازدهم

۱۱۲

درس اول: Sense of Appreciation

۱۲۱

آزمون ۱۷ و ۱۸

۱۲۷

درس دوم: Look it Up!

۱۳۵

آزمون ۱۹ و ۲۰

۱۴۱

آزمون ۲۱: درس‌های ۱ و ۲

۱۴۴

درس سوم: Renewable Energy

۱۵۳

آزمون ۲۲ و ۲۳

۱۵۹

آزمون ۲۴: درس‌های ۲ و ۳

۱۶۲

آزمون ۲۵: جامع سال دوازدهم

● فصل چهارم: آزمون‌های جامع

۱۶۶

آزمون ۲۶: جامع ۱

۱۶۹

آزمون ۲۷: جامع ۲

۱۷۲

آزمون ۲۸: جامع ۳

آزمون ۲۹: جامع ۴ ۱۷۵

آزمون ۳۰: جامع ۵ ۱۷۸

آزمون‌های ۳۱ تا ۳۷: کنکور سراسری داخل و خارج از کشور سال ۹۸ (همه رشته‌ها) ۱۸۱

آزمون‌های ۳۸ تا ۴۴: کنکور سراسری داخل و خارج از کشور سال ۹۹ (همه رشته‌ها) ۲۰۲

● فصل پنجم: پاسخ تشریحی تست‌های جمع‌بندی (درس‌نامه قسمت گرامر و رایتینگ)

زبان انگلیسی دهم ۲۲۴

زبان انگلیسی یازدهم ۲۲۸

زبان انگلیسی دوازدهم ۲۳۱

● فصل ششم: پاسخ تشریحی آزمون‌ها

زبان انگلیسی دهم ۲۳۶

زبان انگلیسی یازدهم ۲۵۵

زبان انگلیسی دوازدهم ۲۸۰

آزمون‌های جامع ۳۰۲

● فصل هفتم: ضمیمه

ضمیمه اول: کلمات و عبارات بخش‌های شنیداری کتاب‌های دهم، یازدهم و دوازدهم ۳۴۶

ضمیمه دوم: کلمات پنهان کتاب درسی ۳۴۸

ضمیمه سوم: اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش با معانی مختلف ۳۴۹

۳۵۱ ضمیمهٔ چهارم: تعداد کلمات و موضوعات بخش‌های کلوز تست و درک متن کنکورهای سراسری ۹۸ تا ۱۴۰۰

۳۵۴ ضمیمهٔ پنجم: واژگان مهم و خارج از کتاب کنکورهای سراسری ۹۸ تا ۱۴۰۰

۳۸۰ ضمیمهٔ ششم: سوالات گرامر کنکور نظام قدیم (مرتبط با کتاب‌های درسی نظام جدید)

۳۸۶ آزمون‌های ۴۵ تا ۴۷: جامع ۲۰ تا ۲۲

۳۹۵ آزمون‌های ۴۸ تا ۵۴: کنکور سراسری داخل و خارج از کشور سال ۱۴۰۰ (همهٔ رشته‌ها)

۴۱۸ پاسخ تشریحی آزمون‌های ۴۵ تا ۵۴

۴۳۸ **فصل هشتم: پاسخ‌نامهٔ کلیدی**



● **پاسخ تشریحی تست‌های جمع‌بندی واژگان^۱**

زبان انگلیسی دوازدهم

فصل ۳

درس اول: Sense of Appreciation

درس دوم: Look it Up!

درس سوم: Renewable Energy

تعداد آزمون: ۹

Sense of Appreciation

درس اول

لغات مهم کتاب درسی

accidentally (adv.)	تصادفاً	childhood (n.)	بچگی، کودکی، دوران بچگی
A.D. (abbr ¹ .) (Anno Domini)	بعد از میلاد	choose (v.)	انتخاب کردن
active (adj.)	فعال، (دستور زبان) معلوم	collocation (n.)	(زبان شناسی) هم نشینی، با هم آبی
addition (n.)	جمع، اضافه	combine (v.)	ترکیب کردن، ترکیب شدن
advice (n.)	نصیحت، توصیه	compound (adj. & n.)	(جمله) مرکب، ترکیب، مخلوط
again and again	بارها	confirm (v.)	تأیید کردن
agreement (n.)	توافق، موافقت	connecting (adj.)	رابط، ربط دهنده
along with	همراه با، به اضافه، در کنار	countless (adj.)	بی شمار، بی اندازه
aloud (adv.)	بلند، با صدای بلند	cry (v.)	گریه کردن
appreciation (n.)	قدردانی، درک، فهم	cure (n. & v.)	درمان، درمان کردن
as follows	به شرح زیر	dedicate (v.)	وقف کردن، اختصاص دادن به
author (n.)	نویسنده	dedicated (adj.)	متعهد، متعصب
belonging (n.)	(در شکل جمع) دارایی، تعلق	diary (n.)	دفتر خاطرات، دفتر یادداشت
blessing (n.)	رحمت، توفیق، برکت	diploma (n.)	دیپلم
boost (v.)	بالا بردن، افزایش دادن، تقویت کردن	discover (v.)	کشف کردن
bring up (phr v.)	تربیت کردن، بزرگ کردن	distinguish (v.)	تشخیص دادن، فرق گذاشتن، متمایز کردن
burst (v.)	ترکیدن، منفجر کردن	distinguished (adj.)	برجسته، ممتاز
burst into tears	ناگهان زیر گریه زدن	doer (n.)	انجام دهنده
by heart	از حفظ	either (det. ⁴ & pron.)	یا، هریک (از دو)
by the way (idi.)	راستی	elder (n. & adj.)	بزرگ تر
calmly (adv.)	به آرامی	elderly (adj.)	سالخورده، پیر
cancer (n.)	(بیماری) سرطان	elicit (v.)	(اطلاعات) بیرون کشیدن، به دست آوردن
care for (phr v.)	مراقبت کردن از، علاقه داشتن به	enjoyable (adj.)	لذت بخش
catch (v.)	گرفتن، (بیماری) دچار شدن	ethic (n.)	اخلاق، اصول اخلاقی
center (n.)	مرکز، وسط، کانون	feed (v.)	تغذیه کردن، غذا دادن به
chess (n.)	شطرنج	fix (v.)	تعمیر کردن

1- abbr: abbreviation مخفف

۲- در کنکور ۹۹، از اسم «care» به معنای «مراقبت، توجه» سؤال طرح شده بود.

۳- در کنکور ۹۹، از اسم «dedication» به معنای «تعهد، وفاداری» سؤال طرح شده بود.

4- det: determiner معرف (دستور زبان)

forgive (v.)	بخشیدن	passive (adj.)	دستور زبان) مجهول
found (v.)	تأسیس کردن، ایجاد کردن	pause (n. & v.)	مکث، مکث کردن
generate (v.)	تولید کردن	peaceful (adj.)	آرام، توأم با صلح
generation (n.)	نسل، تولید، نسل	physician (n.)	پزشک، طیب
go together	با هم همراه بودن، به هم خوردن	pigeon (n.)	کبوتر
grandchild (n.)	نوه	pity (n.)	ترحم، دلسوزی، مایهٔ تأسف
guideline (n.)	رهنمود، دستورالعمل	It's a pity!	چقدر حیف!
hard of hearing (adj.)	سنگین گوش	poetry (n.)	شعر، هنر شاعری
hate (n. & v.)	نفرت، نفرت داشتن از	principle (n.)	اصل، قاعده
hear of	اسم (کسی یا چیزی را) شنیدن	process (n.)	فرآیند، جریان
heritage (n.)	میراث	provide (v.)	تأمین کردن
hometown (n.)	وطن، میهن	quantity (n.)	کمیت، مقدار
hug (n. & v.)	آغوش، در آغوش گرفتن	rather than	به جای، به جای اینکه
identity (n.)	هویت	receive (v.)	دریافت کردن
inspiration (n.)	الهام	record (v.)	ثبت کردن، ضبط کردن
install (v.)	نصب کردن	regard (n. & v.)	توجه، ملاحظه، تلقی کردن
interestingly (adv.)	جالب است که	regarding (prep.)	در ارتباط با
kindly (adv.)	با مهربانی، لطفاً	religious (adj.)	مذهبی
kindness (n.)	مهربانی	repeatedly (adv.)	بارها و بارها، به کرات
kiss (n. & v.)	بوسه، بوسیدن	replace (v.)	جایگزین کردن، سر جای خود گذاشتن
lap (n.)	دامن، قسمتی از ران پا	reply (v.)	جواب دادن
location (n.)	محل، موقعیت	responsibility (n.)	مسئولیت
loving (adj.)	با محبت، عاشقانه	score (n. & v.)	(آزمون) نمره
lower (v.)	کم کردن، کم شدن	sense (n. & v.)	حس، احساس، حس کردن
meaningful (adj.)	بامعنی، معنی دار	sense of appreciation	حس قدرشناسی
moral (n. & adj.)	اخلاق، (در شکل جمع) اصول اخلاقی، اخلاقی	series (n.)	سری، مجموعه
most importantly	از همه مهم تر اینکه	shout (v.)	فریاد کشیدن
not surprisingly	تعجبی ندارد که	signal (n. & v.)	علامت، علامت دادن
object (n.)	شیء، (دستور زبان) مفعول	sofa (n.)	کاناپه
once (adv.)	روزی، یک زمانی، یک بار	solution (n.)	راه حل
on the other hand	از طرف دیگر	sometime (adv.)	زمانی، یک روزی
ordinary (adj.)	معمولی، عادی	sound (v.)	به نظر آمدن

spare (v.)	مضایقه کردن، دریغ کردن	textbook (n.)	کتاب درسی
spare no pains	از هیچ تلاشی مضایقه نکردن	tool (n.)	ابزار، وسیله
strength (n.)	قدرت، نیرو	uncertainty (n.)	عدم قطعیت، تردید
such (det. & pron.)	چنین، این طور، چنان، آن قدر	unnatural (adj.)	غیرطبیعی، غیرعادی
suddenly (adv.)	ناگهان	vase (n.)	گلدان
take a rest	استراحت کردن	what's wrong with you?	چت شده؟ چه شده است؟
tear (n.)	اشک	whereby (adv.)	که به موجب آن
teenager (n.)	نوجوان	while (n. & conj.)	مدت، در حالی که
temperature (n.)	دما	willing (adj.)	مایل، مشتاق
terrible (adj.)	وحشتناک، افتضاح	yet another	(برای تأکید) باز، مجدداً

لغات مهم کتاب کار

as (conj.)	چون، وقتی که	inform (v.)	مطلع کردن
cage (n.)	قفس	lack (n. & v.)	فقدان، نداشتن
cousin (n.)	فرزند خاله، عمه، دایی یا عمو	note (v.)	توجه کردن به
deserve (v.)	استحقاق داشتن	parrot (n.)	طوطی
duty (n.)	وظیفه، کار	present (adj.)	حاضر، فعلی
end in	ختم شدن به	robber (n.)	سارق
failure (n.)	شکست، ناکامی	steal (v.)	دزدیدن
fridge (n.)	یخچال	thus (adv.)	بنابراین
grateful (adj.)	قدردان	umbrella (n.)	چتر
gulf (n.)	خلیج	unconditionally (adv.)	بدون قید و شرط
handle (v.)	از عهده برآمدن، کار کردن با، (با دست) جابه‌جا کردن	unreal (adj.)	غیرواقعی
hence (adv.)	(از حالا) بعد، دیگر، بنابراین	within (prep.)	در، در محدوده
honor (n. & v.)	افتخار، احترام، گرمی داشتن، مفتخر ساختن		

تست‌های جمع‌بندی واژگان

- 1 When raw materials or foods are, they are changed in a suitable manner for a particular purpose. هنر ۸۶
 1) replaced 2) processed 3) managed 4) stored
- 2 In our family, the between father and his children is of high value. ریاضی ۹۰ - با تغییر
 1) measure 2) project 3) friendship 4) quantity
- 3 He wasn't dressed for the party. انسانی ۹۰
 1) mentally 2) suitably 3) usefully 4) continuously
- 4 She was forced to have with the secret police. خارج ۹۰ - با تغییر
 1) obligations 2) predictions 3) destinations 4) connections
- 5 A: Do you have any news about Ted for me? B: No, I haven't seen him ریاضی ۹۱ - با تغییر
 1) lately 2) calmly 3) commonly 4) suitably
- 6 My of books and magazines is nothing in comparison with that of a library. خارج ۹۱ - با تغییر
 1) collection 2) production 3) forgiveness 4) performance
- 7 This cloth has been slowly in order to make it waterproof. خارج ۹۱ - با تغییر
 1) welcomed 2) processed 3) researched 4) predicted
- 8 The President has been fully the recent advances. ریاضی ۹۳ - با تغییر
 1) compared with 2) located by 3) paid attention to 4) informed of
- 9 It is to assume that he knew beforehand that this would take place. تجربی ۹۳ - با تغییر
 1) regular 2) responsible 3) nervous 4) reasonable
- 10 I felt quite during the marriage ceremony. زبان ۹۳ - با تغییر
 1) economical 2) emotional 3) calligraphic 4) decorative
- 11 The sick man put his feet in cold water in the hope that it would help his body temperature. زبان ۹۳ - با تغییر
 1) rank 2) lower 3) predict 4) boost
- 12 A teacher often feels his students when they work hard and achieve something important. زبان ۹۴ - با تغییر
 1) proud of 2) bored with 3) certain of 4) worried about
- 13 When he said he was not to answer that particular question, we switched on to other questions quickly. ریاضی ۹۵
 1) calm 2) exact 3) willing 4) suitable
- 14 As the man is lazy and has no of responsibility, he does not work to make money for his family. ریاضی ۹۶
 1) sense 2) basis 3) habit 4) amount
- 15 I am tired of you; please don't complain about things you are not to work hard to change. خارج ۹۶
 1) willing 2) social 3) specific 4) responsible
- 16 She was good at covering emotions she didn't want to show, but he read them all and threw them back in her face. تجربی ۹۷
 1) carefully 2) seriously 3) normally 4) wisely

- 17) If you your pet animal on biscuits, it's not surprising he's so fat. هنر ۹۸ - با تغییر
 1) feed 2) offer 3) gain 4) skim
- 18) Though most people might not be to accept the fact, the world today is unfortunately controlled by the power of money. انسانی ۹۸
 1) possible 2) willing 3) suitable 4) economical
- 19) If we accept that every wrongdoer is merely sick, it means that he cannot be held his actions. انسانی ۹۸ - با تغییر
 1) related to 2) available to 3) voluntary for 4) responsible for
- 20) For such a famous, rich man, his personal life was simple and ordinary. انسانی ۹۸ - با تغییر
 1) heavily 2) proudly 3) naturally 4) surprisingly
- 21) The research has been very expensive and the act itself is expensive, too. That's probably why they aren't to take the effort and expense to do something they aren't sure will work. تجربی ۹۹ - نظام قدیم
 1) emotional 2) economical 3) voluntary 4) willing
- 22) Despite the fact that we are no longer consciously aware of the external world during sleep, our minds continue to actively information. تجربی ۹۹ - نظام قدیم
 1) require 2) practice 3) process 4) experience
- 23) I should like to think about your suggestion before I give a/an reply. انسانی ۹۹ - نظام قدیم - با تغییر
 1) definite 2) generative 3) hospitable 4) emotionless

- | | | | |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| 1) <input type="radio"/> 1 <input checked="" type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input type="radio"/> 4 | 7) <input type="radio"/> 1 <input checked="" type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input type="radio"/> 4 | 13) <input type="radio"/> 1 <input type="radio"/> 2 <input checked="" type="radio"/> 3 <input type="radio"/> 4 | 19) <input type="radio"/> 1 <input type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input checked="" type="radio"/> 4 |
| 2) <input type="radio"/> 1 <input type="radio"/> 2 <input checked="" type="radio"/> 3 <input type="radio"/> 4 | 8) <input type="radio"/> 1 <input type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input checked="" type="radio"/> 4 | 14) <input checked="" type="radio"/> 1 <input type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input type="radio"/> 4 | 20) <input type="radio"/> 1 <input type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input checked="" type="radio"/> 4 |
| 3) <input type="radio"/> 1 <input checked="" type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input type="radio"/> 4 | 9) <input type="radio"/> 1 <input type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input checked="" type="radio"/> 4 | 15) <input checked="" type="radio"/> 1 <input type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input type="radio"/> 4 | 21) <input type="radio"/> 1 <input type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input checked="" type="radio"/> 4 |
| 4) <input type="radio"/> 1 <input type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input checked="" type="radio"/> 4 | 10) <input type="radio"/> 1 <input checked="" type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input type="radio"/> 4 | 16) <input type="radio"/> 1 <input type="radio"/> 2 <input checked="" type="radio"/> 3 <input type="radio"/> 4 | 22) <input type="radio"/> 1 <input type="radio"/> 2 <input checked="" type="radio"/> 3 <input type="radio"/> 4 |
| 5) <input checked="" type="radio"/> 1 <input type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input type="radio"/> 4 | 11) <input type="radio"/> 1 <input checked="" type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input type="radio"/> 4 | 17) <input checked="" type="radio"/> 1 <input type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input type="radio"/> 4 | 23) <input checked="" type="radio"/> 1 <input type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input type="radio"/> 4 |
| 6) <input checked="" type="radio"/> 1 <input type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input type="radio"/> 4 | 12) <input checked="" type="radio"/> 1 <input type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input type="radio"/> 4 | 18) <input type="radio"/> 1 <input checked="" type="radio"/> 2 <input type="radio"/> 3 <input type="radio"/> 4 | |

درس نامه گرامر

ساختار مجهول (Passive Voice)

ساختار مجهول به صورت "to be + pp" است. منظور از "to be" کلیه مشتقات آن یعنی "am, is, are, was, were, been, be, to be, being" و منظور از "pp" قسمت سوم فعل (past participle) است. در درس ۱ زبان دوازدهم، با مجهول زمان های «حال ساده، گذشته ساده و حال کامل» سروکار داریم. جمله معلوم زیر را در نظر بگیرید:

I sent the letter.

من نامه را فرستادم.

فاعل

فعل

مفعول

در جمله معلوم، ابتدا نهاد، سپس فعل و در ادامه مفعول^۱ و سایر اجزای جمله به کار می‌رود، اما در جمله مجهول مفعول در ابتدای جمله ظاهر می‌شود و نقش فاعل جمله مجهول را بازی می‌کند. جدول زیر را ببینید تا بهتر متوجه شوید:

زمان	جمله مجهول	شکل منفی جمله مجهول	شکل سؤالی جمله مجهول
حال ساده	The letter is sent .	The letter is not sent .	Is the letter sent?
گذشته ساده	The letter was sent .	The letter was not sent .	Was the letter sent?
حال کامل	The letter has been sent .	The letter has not been sent .	Has the letter been sent ?

تجو ۱

می‌توانیم انجام‌دهنده کار (یعنی فاعل جمله معلوم) را در ادامه جمله با حرف اضافه "by" (به وسیله، توسط) بیان کنیم:
 The car was found **by Roozbeh**.² ماشین توسط روزبه پیدا شد.
 اگر فاعل غیر انسان باشد و به خودی خود قادر به انجام کاری نباشد، به جای "by" از "with" استفاده می‌کنیم.
 Ehsan was killed **with a stone**. (NOT Ehsan was killed by a stone.) احسان با سنگ کشته شد.

تجو ۲

برای پرسش درباره فاعل جمله مجهول، ۲ حالت داریم:
معلوم: چه کسی موج آزمون را نوشت؟
Active: Who wrote Moj Azmoon?
مجهول: موج آزمون توسط چه کسی نوشته شد؟ یا توسط چه کسی موج آزمون نوشته شد؟
Passive: Who was Moj Azmoon written **by**? OR **By whom** was Moj Azmoon written?

تجو ۳

برخی افعال دومفعولی هستند؛ مثال:
 They told me a story. آن‌ها داستانی را به من گفتند.
 این افعال غالباً یک مفعول انسانی (مفعول غیرمستقیم یا همان متمم فارسی) و یک مفعول شیئی (مفعول مستقیم یا همان مفعول فارسی) دارند. پس دو شکل مجهول برای آن‌ها وجود دارد. یعنی یک‌بار مفعول غیرمستقیم اول جمله بیاید و یک‌بار مفعول مستقیم.
 I was told a story. = A story was told to me. داستانی به من گفته شد.
 فهرست این افعال در حد کتاب درسی عبارت‌اند از:

ask	پرسیدن	promise	قول دادن
buy	خریدن	sell	فروختن
give	دادن	send	فرستادن
lend	قرض دادن	show	نشان دادن
offer	پیشنهاد دادن	teach	آموزش دادن
pay	پرداخت کردن	tell	گفتن

۱- آیا هر فعلی مفعول‌پذیر است؟ حتماً جوابتان منفی است! جملات مجهول فقط برای افعال متعدی (افعالی که مفعول می‌پذیرند) تعریف می‌شوند. افعالی مثل "appear, arrive, die, live, sit" و ... لازم هستند و نمی‌توانند در ساختار مجهول به کار روند.

۲- البته دقت کنید که اگر بخواهیم عامل انجام کار را به صورت ضمیر بیاوریم، فقط باید از ضمیر مفعولی استفاده کنیم. یعنی:

The car was found **by me**. (NOT ...by I.)

دنباله سؤالی (Question Tag)

به جمله های سؤالی کوتاهی که در انتهای یک جمله خبری می آیند، «دنباله سؤالی» می گویند. قبل از اینکه اساس شکل گیری آنها را بدانید، اول دسته بندی افعال کمکی را بشناسید:

am, is, are, was, were	has, have, had
do, does, did	can, could, may, might, will, would, must, should

خُب! برای ساخت دنباله سؤالی:

- ۱) فعل کمکی جمله اصلی را مجدداً بنویسید. اگر جمله مثبت بود، فعل کمکی را به صورت منفی بنویسید، ولی اگر منفی بود، شکل مثبت آن را بنویسید. دقت کنید فعل کمکی به صورت مخفف در می آید:
 He **can** sing well, **can't** he?
 Sara **hasn't** passed the exam, **has** she?
 برای زمان های «حال ساده» و «گذشته ساده»، چون فعل کمکی نداریم، از «do, does, did» استفاده می کنیم:
- ۲) تو من را شناختی، مگر نه؟
 You recognized me, **didn't** you?
 در صورت وجود عوامل منفی ساز مثل «no, nobody, no one, nothing, little, few, hardly, rarely, never» ساختار باز هم مثبت خواهد بود:
 You **never** loved him, **did** you?
 اگر فاعل جمله «this, that» باشد از ضمیر «it» و اگر «these, those» باشد، از «they» استفاده می کنیم:
- ۳) آن فیلم کسل کننده بود، نبود؟
 That film was boring, **wasn't** it?
 گل های زیبایی هستند، نیستند؟
 These are beautiful flowers, **aren't** they?
 اگر فاعل جمله «there» باشد، آن را تغییر نمی دهیم:
 یک گربه بزرگ وجود داشت، وجود نداشت؟
 There was a big cat, **wasn't** there?
- ۴) برای ضمائر «anything, everything, something, nothing» از **it** و برای ضمائر «anybody, anyone, everybody, everyone»
 برای ضمائر «nobody, no one, somebody, someone» از **they** استفاده می کنیم:
 هیچ چیز بدی رخ نداد، داد؟
 Nothing bad happened, **did** it?
 هیچکس اینجا زندگی نمی کند، زندگی می کند؟
 Nobody lives here, **do** they?
- ۵) اگر جمله ای مرکب داشتیم، جمله پایه را مبنای ساخت دنباله سؤالی قرار می دهیم (جمله پیرو معنای ناقصی دارد و معمولاً همیشه دارای یک حرف ربط مثل «after, before, as, although, when, while, if, ...» است):
 هنگامی که من در حال تماشای تلویزیون بودم، او تلفن زد، نزد؟
 She **phoned** while I was watching TV, **didn't** she?
 جمله پایه جمله پیرو دنباله سؤالی
- ۶) چون کمی خواب آلود بود متوجه شوخی نشد، شد؟
 She **didn't** notice the joke because she was a bit sleepy, **did** she?
 اما اگر جمله پایه شما با ضمیر «I» و افعالی مثل «I think, believe, feel, guess, (have) heard, (am) sure, suppose» ساخته شده باشد، جمله پیرو مبنای قرار می گیرد:
 I've heard (that) he **is** sick, **isn't** he? (NOT I've heard he is sick, haven't I?) (Vision 2 – Page 32)
 من شنیده ام که او بیمار است، نیست؟
 جمله پایه جمله پیرو دنباله سؤالی

تست های جمع بندی گرامر

- 1 A pane of glass while the boys were playing in the street.
 1) broken 2) was broken 3) has been broken 4) is broken
- 2 your tickets for the concert tomorrow paid for by you or your parents?
 1) Be 2) Have 3) Were 4) Have been
- 3 About 71 percent of the Earth's surface by water, and oceans about 96% of all Earth's water.
 1) was covered 2) covers 3) are covered 4) is covered

- 4 It that he has had an influence on many other chefs.
1) is claimed 2) claims 3) he claims 4) was claimed
- 5 It that it would be too costly to take the case to trial.
1) agreed 2) has agreed 3) was agreed 4) has been agreed
- 6 Because Saeed been banned from driving, he is unable to rent a car on holiday.
1) was 2) was being 3) has 4) having
- 7 Reza and Ali are having the lesson early tomorrow, ?
1) aren't Reza and Ali 2) aren't they 3) are Reza and Ali 4) are they
- 8 I don't think anyone will volunteer, ?
1) do I 2) do they 3) will they 4) will one
- 9 It's true that Ralph calls us quite rarely, but most students only call their parents when they need something, ?
1) do they 2) don't they 3) is it 4) isn't it
- 10 How can you think of marrying her? You've hardly known her for five minutes, ?
1) can't you 2) can you 3) haven't you 4) have you

برای پاسخ تشریحی تست‌های جمع‌بندی گرامر و رای‌تینگ به فصل ۵ رجوع شود.

1) ① ② ③ ④

4) ① ② ③ ④

7) ① ② ③ ④

10) ① ② ③ ④

2) ① ② ③ ④

5) ① ② ③ ④

8) ① ② ③ ④

3) ① ② ③ ④

6) ① ② ③ ④

9) ① ② ③ ④

درس‌نامه رای‌تینگ

حروف ربط همپایه‌ساز (Coordinating Conjunctions)

برای ترکیب کردن دو جمله ساده (جمله‌ای که یک فاعل و یک فعل دارد) و ساخت یک جمله مرکب (جمله‌ای که بیش از یک فعل و فاعل دارد) می‌توانیم از حروف ربط استفاده کنیم. در حد کتاب درسی، کافی است کاربرد ۴ حرف ربط "and, but, or, so" را فرا بگیرد:

حرف ربط همپایه‌ساز	مثال	کاربرد
and	We went to the park yesterday, and we had a wonderful time. دیروز به پارک رفتیم و زمان فوق‌العاده‌ای را گذرانیدیم.	بیان اطلاعات اضافی، دو عمل مشابه یا متوالی
but	The problem was confusing, but Tom could solve it. این مشکل گیج‌کننده بود، اما تام توانست آن را حل کند.	بیان تضاد و مقایسه
or	He can buy the book, or he can borrow it from the library. او می‌تواند کتاب را بخرد، یا می‌تواند آن را از کتابخانه قرض بگیرد.	بیان انتخاب بین دو مورد
so	Saeed studied hard for the exam, so he passed it. سعید برای امتحان سخت مطالعه کرد، بنابراین در آن پذیرفته شد.	بیان نتیجه‌گیری

تجو ۱

وجه مشترک این چهار حرف ربط این است که قبل از آن‌ها در صورت وجود نهاد در هر دو جمله ساده، از ویرگول استفاده می‌کنیم: Behnam's family went to the zoo last week, **but** they did not enjoy it. (NOT Behnam's family went to the zoo last week **but** they did not enjoy it.) خانواده بهنام هفته گذشته به باغ وحش رفتند، **اما** از آن لذت نبردند.

تجو ۲

در صورت وجود نهادهای مشترک، می‌توانیم نهاد دوم را به قرینه حذف کنیم. در این حالت، ویرگول نیز حذف می‌شود: I get up early in the morning **and make** an omelet for myself. (NOT I get up early in the morning, and make an omelet for myself.) من صبح زود از خواب بیدار می‌شوم و برای خودم املت درست می‌کنم. البته این حالت برای "so" برقرار نیست. یعنی فاعل مشترک بعد از آن حذف نمی‌شود.

تجو ۳

این چهار حرف ربط می‌توانند با حرف بزرگ و در ابتدای جمله دوم قرار گیرند. البته دقت کنید که در این حالت مجاز به حذف فاعل مشترک نیستید: It's an old car. **But** it's very reliable. (NOT It's an old car. But is very reliable.) این ماشین قدیمی است، **اما** بسیار قابل اعتماد است.

تجو ۴

این کلمات می‌توانند غیر از اتصال دو جمله ساده، دو عنصر گرامری یکسان (مثل دو صفت، دو اسم و ...) را نیز به هم ربط دهند: When we keep Earth clean **and** safe, animals will live longer. (Vision 1 – Workbook – Page 12) زمانی که ما زمین را پاکیزه و امن نگه داریم، حیوانات، طولانی‌تر زندگی خواهند کرد.

تجو ۵

در صورت وجود بیش از دو جمله یا عنصر گرامری، غیر از دو بخش آخر جمله که توسط این حروف ربط به هم متصل می‌شوند، باید از ویرگول استفاده کنیم. ببینید: What I do when I get home is watching TV, cooking supper **and** going to bed. آنچه که من وقتی به خانه می‌روم انجام می‌دهم، تماشای تلویزیون، پختن شام و رفتن به رختخواب است.

تست‌های جمع‌بندی رایتینگ

- 1 My camera was stolen I lost all the photographs from my last trip.
1) or 2) and 3) but 4) for
- 2 I am not allowed to see you anymore, shouldn't come again.
1) so 2) so you 3) and 4) but you
- 3 Listen to the story answer the questions in complete sentences.
1) but 2) so 3) and 4) or
- 4 He looked through the window for a minute or two outside.
1) so went 2) so he went 3) and went 4) and he goes
- 5 I am a bit cold. May I leave the class early, wait until the class is over?
1) and should I 2) and I should 3) or should I 4) or I should

برای پاسخ تشریحی تست‌های جمع‌بندی گرامر و رایتینگ به فصل ۵ رجوع شود.

- 1) 1 2 3 4 3) 1 2 3 4 5) 1 2 3 4
2) 1 2 3 4 4) 1 2 3 4

PART A: GRAMMAR AND VOCABULARY

Directions: Questions 1-12 are incomplete sentences. Beneath each sentence you will see four words or phrases, marked (1), (2), (3), and (4). Choose the one word or phrase that best completes the sentence. Then mark your answer sheet.

- 1 About 40 percent of the nation's Nobel Prize winners since 2000 abroad.
1) they bear 2) were born 3) that they bore 4) have been born
- 2 Information from various retail outlets and onto the database.
1) were collected – have been entered 2) were collected – entered
3) was collected – entered 4) was collected – has been entered
- 3 A: John isn't experienced enough to do this job, is he? B: No,
1) I think he is 2) I don't think he is 3) I think he has 4) I don't think he has
- 4 You may join the activities in the backyard, you may play inside.
1) so 2) or 3) but 4) and
- 5 Since we can get so much benefit from making our cities greener, we should no pains to do so.
1) forgive 2) grow 3) regard 4) spare
- 6 As you'll recall, I wanted to meet you, so I went backstage. This had never happened to me before and has never happened since! You opened the door, I tears and we fell into each other's arms.
1) lacked in 2) took care of 3) burst into 4) took the place of
- 7 Ajahn Brahm once said, "Everyone makes mistakes. The wise are not people who never make mistakes, but those who themselves and learn from their mistakes."
1) generate 2) forgive 3) translate 4) belong
- 8 Some government workers are and work hard, but most of them are just waiting to retire.
1) dedicated 2) destructive 3) economical 4) comfortable
- 9 If an elderly but scientist says that something is possible, he is almost certainly right; but if he says that it is impossible, he is very probably wrong.
1) exciting 2) distinguished 3) uninterested 4) surprised
- 10 Your forehead feels pretty warm to me; let me your temperature and see if you're running a fever.
1) add 2) do 3) take 4) make
- 11 The subtitles and captions are designed to help support the deaf or of hearing community, and even allow speakers to include a translation of a presentation.
1) afraid 2) proud 3) poor 4) hard
- 12 My son, who is a CEO, is very busy and, sadly but not, he doesn't call me very often.
1) seriously 2) hopefully 3) unconditionally 4) surprisingly

PART B: CLOZE TEST

Directions: Questions 13-17 are related to the following passage. Read the passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.

Lichen are one of the few kinds of life that can survive in the mountains of Antarctica. These tiny plants live in small holes in the rocks. Outside, the extreme cold and (13) wind prevent any life at all from surviving. Inside the holes, these lichen manage to find enough water and (14) to keep alive, even though they (15) much of the time. This fact means that the lichen (16) extremely slowly and live a very long time. Scientists believe that a lichen may remain alive for thousands of years. (17), the lichen may be among the oldest forms of life on Earth.

- 13 1) rapid 2) quick 3) strong 4) heavy
- 14 1) health 2) growth 3) strength 4) warmth
- 15 1) must freeze 2) have frozen 3) were frozen 4) are frozen
- 16 1) function 2) explain 3) receive 4) compound
- 17 1) If this is true 2) For being true 3) Although this is true 4) In order to be true

PART C: READING COMPREHENSION

Directions: In this part of the test, you will read two passages. Each passage is followed by four questions. Answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4). Then mark your answer sheet.

PASSAGE 1:

Khawjeh Shams od-Din Muhammad Hafez was born in Shiraz sometime between the years 1310 and 1337. Very little reliable information is known about Hafez's life, particularly the early part. Judging from his poetry, he must have had a good education. It is said that, by listening to his father's recitations, Hafez had memorized the Holy Qur'an at an early age. Hafez also is believed to have known by heart the works of Molana, Sa'di, Attar, and Nezami.

As a young man, Hafez became a poet in the court of Abu Is'hak, which gave him fame and influence in his hometown. It is possible that Hafez also worked as a teacher in a Qur'anic school at this time. When Hafez was in his early thirties, Mubariz Muzaffar captured Shiraz and seems to have removed Hafez from his position. At the age of fifty-two, Hafez once again regained his position at court, and possibly received a personal invitation from Shah Shuja, who asked him to return. It is generally believed that Hafez died at age 69. His tomb is located in the Musalla Gardens of Shiraz, referred to as Hafezieh.

Themes of his Ghazals are the beloved, faith, and exposing hypocrisy. In his Ghazals, he deals with love, wine and tavern, which all represent ecstasy and freedom from restraint whether in actuality or in the voice of a lover speaking of divine love. His influence on the lives of Persian speakers can be found in "Hafez readings" (Fal-e Hafez) and the frequent use of his poems in Persian traditional music, visual art, and Persian calligraphy. His tomb attracts many visitors. Adaptations, imitations and translations of his poems exist in all major languages.

18 Hafez is said to have memorized the Holy Qur'an

- 1) after he'd become a well-known poet
- 2) while his father read it aloud
- 3) so that he'd be able to teach in Qur'anic schools
- 4) so as to gain a high position at court

19 Hafez is said to have memorized the poems of all the following poets EXCEPT

- 1) Ferdowsi
- 2) Attar
- 3) Nezami
- 4) Sa'di

20 When Muzaffar attacked Shiraz,.....

- 1) Hafez was 35 years old or less
- 2) He asked Hafez to keep his position
- 3) Shah Shuja was removed from power
- 4) Hafezieh was just being built

21 Hafezieh is where

- 1) poets read out their poems to Hafez
- 2) hafez's body was put into the ground
- 3) young Hafez worked as a gardener
- 4) most of the gardens of Shiraz are located

PASSAGE 2:

There is a big difference between the amount of sleep you can get by on and the amount you need to function optimally. According to the National Institutes of Health, the average adult sleeps less than seven hours per night. In today's fast-paced society, six or seven hours of sleep may sound pretty good. In reality, though, if you sleep that long, you are most probably not getting the sleep you need. Just because you're able to operate on six or seven hours of sleep doesn't mean you wouldn't feel a lot better and get more done if you spent an extra hour or two in bed.

While sleep requirements vary slightly from person to person, most healthy adults need between 7 to 9 hours of sleep per night to function at their best. Children and teenagers need even more. And despite the notion that our sleep needs decrease with age, most older people still need at least 7 hours of sleep. Since older adults often have trouble sleeping this long at night, daytime naps can help fill in the gap. ریاضی ۹۶

22 What is the main idea of the passage?

- 1) Differences in sleep patterns
- 2) Ways to improve our sleeping habits
- 3) The amount of sleep humans need
- 4) Reasons why we do not sleep enough

23 According to the passage, the appropriate number of hours of sleep for people

- 1) is on the rise in today's fast-paced society
- 2) is something between 6 to 7 hours per day
- 3) depends on their daily function
- 4) is not exactly the same

24 What does the author mean by "that long" in paragraph 1?

- 1) As much sleep as required
- 2) Six or seven hours of sleep
- 3) Longer than seven hours of sleep per night
- 4) The length of time you actually sleep in real life

25 With which of the following statements is the author more likely to agree?

- 1) All people need daytime naps these days.
- 2) As people age, they tend to sleep longer hours.
- 3) Today's society is a fast-paced one because people cannot function optimally.
- 4) Children and teenagers in general need more than 7 to 9 hours of sleep per day.

PART A: GRAMMAR AND VOCABULARY

Directions: Questions 1-12 are incomplete sentences. Beneath each sentence you will see four words or phrases, marked (1), (2), (3), and (4). Choose the one word or phrase that best completes the sentence. Then mark your answer sheet.

- 1 My bike! I am going to call the police. هنر ۹۳
 1) stole 2) was stealing 3) has been stolen 4) was being stolen
- 2 Mona Lisa by Leonardo da Vinci as far as I زبان ۸۷
 1) was painted – know 2) was painted – am known
 3) has been painted – am known 4) has been painted – know
- 3 You'll be able to watch the children for half an hour while I fetch John from work,?
 1) don't I 2) don't you 3) won't you 4) won't I
- 4 I live in a flat on the top floor; I don't have a garden, I have a balcony.
 1) but 2) and 3) or 4) so
- 5 Their findings is that climate change endangers American agriculture, business and citizens. The solution is to rapidly adapt to a low-carbon, clean-energy economy that also would jobs and the economy.
 1) repeat 2) signal 3) relate 4) boost
- 6 James M. Barrie once said, "Love is not blind; it is an extra eye, which shows us what is most worthy of"
 1) peace 2) regard 3) moral 4) guide
- 7 A people's relationship to their is the same as the relationship of a child to its mother.
 1) reason 2) togetherness 3) success 4) heritage
- 8 You will come to see that a man learns nothing from winning. The act of losing, however, can great wisdom.
 1) replace 2) spare 3) elicit 4) attempt
- 9 A: Thank you for showing me around the city. You're a wonderful host.
 B: your flight is tomorrow. I could show you so much more!
 A: I will try to visit again soon.
 1) It sounds wrong to me 2) It's not surprising 3) It's a pity 4) It is so touching
- 10 She is hospitable. times she has given up her own food when an unexpected guest arrived at dinnertime.
 1) meaningful 2) famous 3) inspirational 4) countless
- 11 Tell her that Niloofar has always been a pleasure to have in the class, and how proud she should be of her because she has been with excellent manners and parental guidance.
 1) reflected on 2) brought up 3) waited for 4) thanked for
- 12 Friends are the most important part of your life. Treasure the tears, treasure the laughter, but most, treasure the memories.
 1) respectfully 2) surprisingly 3) importantly 4) unconditionally

PART B: CLOZE TEST

Directions: Questions 13-17 are related to the following passage. Read the passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.

Many scientists, including Charles Darwin, have wondered why we cry tears. (13) is the biological or evolutionary purpose of tears? We could just (14) cry without any tears falling, but, in fact, (15) Scientists have proposed many theories about tears, but none of these theories (16) In evolutionary terms, the reason for tears remains a mystery. But studies have (17) that you don't need to be a new parent or an emotional sports fan to cry even when you feel happy—you just have to have feelings, and a face.

- 13) 1) What 2) Why 3) Which 4) That
- 14) 1) besides 2) once 3) as well 4) hence
- 15) 1) eyes filled with tears 2) filling eyes with tears
3) our tears in eyes fill with 4) our eyes fill with tears
- 16) 1) is proving 2) is being proved 3) has been proven 4) proved
- 17) 1) deserved 2) founded 3) honored 4) confirmed

PART C: READING COMPREHENSION

Directions: In this part of the test, you will read two passages. Each passage is followed by four questions. Answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4). Then mark your answer sheet.

PASSAGE 1:

How often one hears children wishing they were grown up, and old people wishing they were young again. Each age has its pleasures and its pains, and the happiest person is the one who enjoys what each age gives him properly.

Childhood is a time when there are few responsibilities to make life difficult. A child finds pleasure in playing in the rain, or in the snow. But a child has his pain: He is not so free to do as he wishes as he thinks older people are.

When the young man starts to earn his own living, he becomes free from the discipline of school and parents. If he breaks the laws of society as he used to break the laws of his parents, he may go to prison. If, however, he works hard, keeps out of trouble, he can have the great happiness of seeing himself make steady progress in his job and of building up for himself his own position in society.

With old age should come wisdom and the ability to help others with advice wisely given. Old people can watch their children and their grandchildren growing up around them. They feel the happiness of having come through the battle of life safely and of having reached a time when they can lie back and rest, leaving others to continue the fight.

- 18) According to the passage, the happiest person is the one who
- 1) enjoys the time of his childhood
2) keeps out of trouble all through his life
3) starts to earn his own living
4) gets the most advantage of his age

- 19 Which of the following statements about old people is supported by the passage?
- 1) They are usually satisfied with their past. 2) They are not as wise as middle-aged people.
3) They have the same wishes as young people. 4) They like to have young friends.

- 20 According to the passage, it is true that
- 1) children are free to do as they wish
2) when one gets retired, one will be less troubled in the battle of life
3) children never taste the difficulties of life
4) one should fight as long as one is alive

- 21 According to the passage, young people
- 1) wish they were children
2) find pleasure in playing games
3) become free from the childhood discipline after finding a job
4) do not like the jobs their parents have

PASSAGE 2:

One of the most important decisions at the time when people grow up and become adults is what job or career to choose. However, with so many possibilities to choose from, this decision is often a difficult one to make. In addition, there are many factors that may influence an individual in the choice of a career and some of these may be conflicting. For example, family pressure, the potential for earning money, and one's own personal interest may all be factors that pull an individual in three different directions when trying to decide what career path to follow.

Although it is often stated that by the time a person is a young adult they will know what they want to "do with their life," in fact, the process of finding a career may take a long time. It is not uncommon for an individual to try more than one career before finding the one that leads to job satisfaction.

Clearly young adulthood is a period of stress. It is a time for raising a family, finding and maintaining the "right" job, and keeping a balance among self, family, job, and society at large. It is a period of life that requires great energy. Fortunately, in terms of physical development, we are at something of a peak during our 20s and 30s.

As Levinson (1986) has stated, "early adulthood is the era of greatest energy and abundance and of greatest contradiction and stress."

تجربی ۹۶

- 22 Why does the author mention "family pressure, the potential for earning money, and one's own personal interest," in paragraph 1?
- 1) To give examples of adult responsibilities
2) To explain why adults need to choose a career
3) To introduce some of the factors that influence an adult's choice of a career
4) To discuss the positive and negative effects of every career choice

- 23 The word "one" in paragraph 1 refers to
- 1) factor 2) career 3) decision 4) possibility

- 24 Which of the following is NOT true, according to the passage?
- 1) Early adulthood is a period in which adults undergo stress.
2) Individual young adults do not all exactly know what they want to do with their life.
3) Keeping a balance among self, family, job, and society can be a source of stress for young adults.
4) It is highly unlikely for a young adult to change jobs before he/she starts the one he/she really comes to love.

- 25 The passage is primarily intended to
- 1) inform 2) make a suggestion 3) introduce a finding 4) provide advice

آزمون‌های جامع

فصل ۴

- | | | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|---------------------|
| آزمون ۱۴ (انسانی ۹۹) | آزمون ۸ (تجربی ۹۸) | آزمون ۱ |
| آزمون ۱۵ (تجربی ۹۹) | آزمون ۹ (هنر ۹۸) | آزمون ۲ |
| آزمون ۱۶ (هنر ۹۹) | آزمون ۱۰ (زبان‌های خارجی ۹۸) | آزمون ۳ |
| آزمون ۱۷ (زبان‌های خارجی ۹۹) | آزمون ۱۱ (خارج از کشور ۹۸) | آزمون ۴ |
| آزمون ۱۸ (خارج از کشور ۹۹) | آزمون ۱۲ (انسانی خارج از کشور ۹۸) | آزمون ۵ |
| آزمون ۱۹ (انسانی خارج از کشور ۹۹) | آزمون ۱۳ (ریاضی ۹۹) | آزمون ۶ (ریاضی ۹۸) |
| آزمون ۲۰ (کشور ۹۹) | آزمون ۱۴ (انسانی ۹۸) | آزمون ۷ (انسانی ۹۸) |

PART A: GRAMMAR AND VOCABULARY

Directions: Questions 1-12 are incomplete sentences. Beneath each sentence you will see four words or phrases, marked (1), (2), (3), and (4). Choose the one word or phrase that best completes the sentence. Then mark your answer sheet.

- 1 We do not have all the books that were requested; we are sending those are in stock.
1) which they 2) that which 3) that they 4) that
- 2 If a practical cure for cancer, we wouldn't have as many patients as today.
1) developed 2) are developing 3) were developed 4) have been developed
- 3 Television viewers are sometimes surprised to learn that natural history programmes are often a lot soap operas or films.
1) most popular 2) as popular as 3) more popular than 4) popular that
- 4 Choose the most natural word order.
1) Is the cinema usually open on Sundays? 2) Usually is the cinema open on Sundays?
3) Is the cinema open usually on Sundays? 4) Is usually the cinema open on Sundays?
- 5 Beethoven's Ninth Symphony will be the first in a of concerts at the new concert hall.
1) poetry 2) sense 3) series 4) tag
- 6 This young man a diary, and he gave an interview to a newspaper in which he explained how he came to convert himself to Islam.
1) made 2) kept 3) hated 4) noted
- 7 He stayed with me throughout the time I was in the hospital. !
1) Two heads are better than one 2) A friend in need is a friend indeed
3) Actions speak louder than words 4) Too many cooks spoil the broth
- 8 As my dad said, we have a/an to leave the world better than how we found it. And he also reminded us to be givers in this life, not takers.
1) exemplification 2) pollution 3) obligation 4) direction
- 9 Richard Louv once said that by letting our children us to their own special places we can rediscover the joy and wonder of nature.
1) lead 2) advise 3) bless 4) feed
- 10 We've discussed this problem every so often, but so far we've failed to with a solution.
1) figure out 2) end in 3) go through 4) come up
- 11 To me, this is a/an idea for a national program whereby young people would dedicate themselves to a year of community service
1) inspiring 2) unfamiliar 3) following 4) missing
- 12 Just days after the atomic bombings of Hiroshima and Nagasaki, Japan stops fighting, and World War II is over.
1) alphabetically 2) specially 3) indirectly 4) unconditionally

PART 8: CLOZE TEST

Directions: Questions 13-17 are related to the following passage. Read the passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.

Exercise is defined as any movement that makes your muscles work and requires your body to burn calories. Although some types of exercise, including (13) in your home, may be good for your health, they may not be good for your children. (14) reports, each year, about 25,000 children in the United States are (15) by exercise equipment. The exercise bicycle is the most common (16) Many children (17) a finger or a toe in the wheels of these bicycles. So, if you have an exercise bicycle, you should not let your children play with it.

- 13 1) in exercising 2) exercising 3) to exercise 4) by exercising
- 14 1) Because of 2) Following 3) Besides 4) According to
- 15 1) hurt 2) risked 3) quit 4) rushed
- 16 1) injury caused by 2) cause of injury 3) cause of injured 4) being injured and caused
- 17 1) lost 2) must lose 3) have lost 4) were losing

PART 9: READING COMPREHENSION

Directions: In this part of the test, you will read two passages. Each passage is followed by four questions. Answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4). Then mark your answer sheet.

PASSAGE 1:

Both men and women are living longer. However, women, on the average, live longer. In general, they can expect to live six or seven years more than men. The reasons for this are both biological and cultural.

One important biological factor that helps women live longer is the difference in hormones between men and women. Hormones are chemicals which are produced by the body to control various body functions. Between the ages of about 12 and 50, women produce hormones that are involved in fertility. These hormones also have a positive effect on the heart and the blood flow. In fact, women are less likely to have high blood pressure or to die from heart attacks.

The female hormones also protect the body in another way. They help the body to defend itself against some kinds of infections. This means that women generally get sick less often and less seriously than men. The common cold is a good example: women, on average, get fewer colds than men.

Women are also helped by their female genes. Scientists are still not exactly sure how genes influence aging, but they believe that they do. Some think that a woman's body cells have a tendency to age more slowly than a man's. Others think that a man's body cells have a tendency to age more quickly. Recent research seems to support both of these possibilities.

The cultural context can also influence life expectancy for men and women (life expectancy is the expected length of a person's life.) For example, women generally smoke cigarettes less than men.

Another factor that has influenced the lives of women is the lack of stress. Stress is well known to shorten lives. Until recently, women who worked were usually in less responsible, less stressful positions. At home, housework tends to keep women in better physical condition than men. This generally better physical condition is yet another factor in women's longer lives.

زبان ۹۵

- 18 What does the passage mainly discuss?
- 1) The role of hormones and genes in making women healthy
- 2) Physiological and cultural differences between men and women
- 3) The main reasons why women, on average, live longer than men
- 4) The reasons why modern society leads to men's and women's long life and good health

19 According to the passage, men are more likely than women to

- 1) die from serious diseases such as heart attacks
- 2) control body functions without the use of hormones
- 3) develop the necessary skills to manage job-related stress
- 4) turn to cigarette smoking as a means to handle their social problems

20 The word "they" in paragraph 4 refers to

- 1) women
- 2) genes
- 3) scientists
- 4) body cells

21 The passage provides enough information to answer which of the following questions?

- 1) Why do men live longer at present than in the past?
- 2) What is one reason why women are generally in better physical condition?
- 3) Why does women's body produce fertility-related hormones between 12 to 50 years of age?
- 4) Where were some research studies conducted to determine why women live a longer and healthier life than men do?

PASSAGE 2:

The invention of the incandescent light bulb by Thomas A. Edison in 1879 created a demand for a cheap, readily available fuel with which to generate large amounts of electric power. Coal seemed to fit the bill, and it fueled the earliest power stations (which were set up at the end of the nineteenth century by Edison himself). As more power plants were constructed throughout the country, the reliance on coal increased. Since the First World War, coal-fired power plants have accounted for about half of the electricity produced in the United States each year. In 1986, such plants had a combined generating capacity of 289,000 megawatts and consumed 83 percent of the nearly 900 million tons of coal mined in the country that year. Given the uncertainty in the future growth of nuclear power and in the supply of oil and natural gas, coal-fired power plants could provide up to 70 percent of the electric power in the United States by the end of the century.

Yet, in spite of the fact that coal has long been a source of electricity and may remain one for many years (coal represents about 80 percent of the United States' fossil fuel reserves), it has actually never been the most desirable fossil fuel for power plants. Coal contains less energy per unit of weight than natural gas or oil, it is difficult to transport, and it is associated with a host of environmental issues such as acid rain. Since the late 1960s, problems of emission control and waste disposal have sharply reduced the appeal for coal-fired power plants. The cost of ameliorating these environmental problems, along with the rising cost of building a facility as large and complex as a coal-fired power plant, has also made such plants less attractive from a purely economic perspective.

Changes in the technological base of coal-fired power plants could restore their attractiveness, however. Whereas, some of these changes are revolutionary and are intended mainly to increase the productivity of existing plants, completely new technologies for burning coal cleanly are also being developed.

22 What is the main idea of the passage?

- 1) Coal-fired power plants are an important source of electricity in the United States and are likely to remain so.
- 2) Generated electricity from coal is comparatively recent in the United States.
- 3) Coal is a more economical fuel than either oil or nuclear power.
- 4) Coal is a safer and more dependable fossil fuel than oil or gas.

23 It can be inferred from the passage that coal became the principal source of electricity in the United States because it

- 1) required no complicated machinery
- 2) was comparatively plentiful and inexpensive
- 3) was easy to transport
- 4) burned efficiently

24 In the author's opinion, the importance of coal-generated electricity could increase in the future for which of the following reasons?

- 1) The possible substitutes are too dangerous.
- 2) The cost of changing to other fuels is too great.
- 3) The future availability of other fuels is uncertain.
- 4) Other fuels present too many environmental problems.

25 The underlined word "consumed" in line 7 is closest in meaning to

- 1) used
- 2) decreased
- 3) prepared
- 4) deleted

توضیح: به حالت‌های مختلف جمله توجه کنید:

People claim that he has had an influence on many other chefs.

(معلوم)

It is claimed that he has had an influence on many other chefs.

(مجهول)

He is claimed to have had an influence on many other chefs.

(مجهول)

۵-گزینه ۳ ترجمه جمله: «موافقت شد (همگی موافق بودند) که بردن

پرونده به دادگاه بیش از حد هزینه دارد.»

توضیح: مشابه تست ۴، ساختار جمله مجهول است. اما با توجه به "would" که

آینده در گذشته دارد، از زمان «گذشته ساده» استفاده می‌کنیم.

۶-گزینه ۳ ترجمه جمله: «چون سعید از رانندگی منع شده است،

نمی‌تواند در تعطیلات ماشین کرایه کند.»

توضیح: توجه کنید که برای مجهول کردن زمان‌های کامل (یعنی حال و گذشته

کامل) از عنصر "been" بعد از "has, have, had" استفاده می‌کنیم.

۷-گزینه ۲ ترجمه جمله: «رضا و علی فردا صبح زود درس دارند، ندارند؟»

توضیح: فاعل دو شخص است، پس از ضمیر "they" استفاده می‌کنیم. فعل

مثبت "are" نیز به "aren't" تبدیل می‌شود.

۸-گزینه ۳ ترجمه جمله: «فکر نمی‌کنم کسی داوطلب بشود، مگر نه؟»

توضیح: برای ضمیر مبهم "anybody, someone, no one, anybody,"

"somebody, nobody" از ضمیر "they" در دنباله سؤالی استفاده می‌کنیم. دقت

کنید به دلیل "I don't think" فعل بخش جای خالی به صورت مثبت خواهد بود.

۹-گزینه ۲ ترجمه جمله: «درست است که رالف خیلی به ندرت به ما

زنگ می‌زند، اما اکثر دانش‌آموزان فقط وقتی به والدینشان زنگ می‌زنند که چیزی

نیاز داشته باشند، این طور نیست؟»

توضیح: به موارد مشخص شده دقت کنید:

It's true that Ralph calls us quite rarely, but most students only

call their parents when they need something, don't they?

۱۰-گزینه ۴ ترجمه جمله: «چطور می‌توانی به ازدواج با او فکر کنی؟ هنوز

پنج دقیقه هم او را نشناخته‌ای، شناخته‌ای؟»

توضیح: قید "hardly" منفی است، پس در دنباله سؤالی از فعل مثبت استفاده می‌کنیم.

درس ۱ پاسخ تست‌های جمع‌بندی

دوازدهم رایتینگ

۱-گزینه ۲ ترجمه جمله: «دوربینم دزدیده شد و تمام عکس‌های آخرین

سفرم را از دست دادم.»

توضیح: از حرف ربط "and" برای بیان دو عمل مشابه یا متوالی استفاده می‌کنیم.

سایر گزینه‌ها در این تست معنای مناسبی ندارند.

۲-گزینه ۲ ترجمه جمله: «از این به بعد اجازه ندارم که تو را ببینم، پس تو

دیگر نباید بیایی.»

توضیح: برای بیان نتیجه‌گیری از "so" استفاده می‌کنیم. ضمناً باید دقت کنید که

بعد از "so" فاعل قابل حذف نیست.

۲-گزینه ۲ ترجمه جمله: «آزمون هفته آینده سطح کلاسی شما را برای ترم

آینده تعیین می‌کند، پس حسابی درس بخوانید، خوب استراحت کنید و سعی

کنید که بهترین عملکردتان را داشته باشید.»

توضیح: بعد از فعل "try" به معنی «تلاش کردن» از مصدر با "to" استفاده می‌کنیم.

۳-گزینه ۳ ترجمه جمله: «می‌توانی فیلم را ببینی اگر که قول بدهی بعد از

آن) مستقیم به تخت خواب بروی.»

توضیح: بعد از "promise" فعل دوم به صورت مصدر با "to" به کار می‌رود.

۴-گزینه ۴ ترجمه جمله: «از وقتی بیست سالم شد، دویدن و رمان

خواندن به مدت بیست دقیقه در روز از فعالیت‌های روزمره من بوده‌اند.»

توضیح: با توجه به وجود دو فاعل "to jog" و "to read" از فعل جمع استفاده

می‌کنیم. ضمناً با توجه به بخش "since I was..." در جای خالی نیاز به زمان

«حال کامل» داریم.

۵-گزینه ۴ ترجمه جمله: «یادگیری مفهوم شرطی نوع اول آسان است و

اگر به اندازه کافی مطالعه کنید، می‌توانید سؤالات این بخش را پاسخ دهید.»

توضیح: بعد از "easy" (به عنوان صفت) از مصدر با "to" استفاده می‌کنیم.

دقت کنید گزینه (۳) صرفاً ترجمه شده از فارسی به انگلیسی است و معنای

مناسبی ندارد.

درس ۱ پاسخ تست‌های جمع‌بندی

دوازدهم گرامر

۱-گزینه ۲ ترجمه جمله: «هنگامی که پسرها در کوچه مشغول بازی بودند

شیشه یک پنجره شکسته شد.»

توضیح: فعل "break" متعدی است و چون مفعول بعد از آن به کار نرفته است،

وجه جمله مجهول است. ضمناً با توجه به زمان "were playing" صرفاً زمان

«گذشته ساده» درست است.

۲-گزینه ۳ ترجمه جمله: «آیا هزینه بلیط‌های برای کنسرت فردا توسط

تو داده شده بود یا والدینت؟»

توضیح: فعل "pay" متعدی است و ساختار جمله مجهول سؤالی است. در جای

خالی با توجه به جمع بودن اسم "tickets" از "were" استفاده می‌کنیم. بد

نیست بدانید بخشی از جمله که باعث طولانی‌تر شدن آن شده قابل حذف است.

به جمله زیر و بخش قابل حذف که در پرانتز قرار دادیم دقت کنید. اگر این بخش

را کنار بگذارید، راحت‌تر به گزینه صحیح می‌رسید:

Were your tickets (for the concert tomorrow) paid for by

you or your parents?

۳-گزینه ۴ ترجمه جمله: «حدود ۷۱ درصد از سطح کره زمین با آب پوشانده

شده است و اقیانوس‌ها حدود ۹۶ درصد از کل آب زمین را تشکیل می‌دهند.»

توضیح: فعل "cover" به معنی «پوشاندن» متعدی است و مفعول بعد از آن به

کار نرفته است. بنابراین، وجه جمله مجهول است. ضمناً جمله دلالت بر یک

وضع کلی در زمان حال دارد پس از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم. دقت کنید

"71 percent" مفرد است.

۴-گزینه ۱ ترجمه جمله: «ادعا می‌شود که او روی خیلی از آشپزهای دیگر

تأثیر داشته است.»

توضیح: در صورت وجود ضمیر موصولی فاعلی، دیگر نمی‌توانیم از ضمیر فاعلی استفاده کنیم (دلیل رد گزینه (۲)). ضمناً در جملات موصولی و بعد از ویرگول، ضمیر "that" کاربرد ندارد.

۷-گزینه ۳ ترجمه جمله: «ورزشکاران مشهور و شخصیت‌های تاریخی اغلب از زندگی‌شان داستان‌هایی دارند که می‌توانند از آن‌ها برای الهام بخشیدن و آموزش دادن استفاده کنند.»

توضیح: دقت کنید که "that" به "stories" و "they" به "Sports" نیست. ضمناً "went" پیرو عمل "looked" آمده است.

۸-گزینه ۳ ترجمه جمله: «آقای جونز که برایش کار می‌کردم، نسبت به دستمزدهای اضافه کاری خیلی دست و دل‌باز بود.»

توضیح: در صورتی که فعل مورد نظر دارای حرف اضافه باشد، می‌توانیم آن را قبل از ضمیر موصولی نیز به کار ببریم. ببینید:

Mr. Jones, **for whom** I was working, was very generous about overtime payments.

Mr. Jones, **whom** I was working **for**, was very generous about overtime payments.

دقت کنید که قبل از ضمیر موصولی "that" هرگز نمی‌توانیم از حرف اضافه استفاده کنیم (دلیل رد گزینه (۴)).

۹-گزینه ۳ ترجمه جمله: «اگر در شب صدای عجیبی در خانه‌ات می‌شنیدی، آیا با پلیس تماس می‌گرفتی؟»

توضیح: با توجه به فعل "heard" که زمان گذشته ساده است، نیاز به فعل وجهی "would" داریم. (ساختار شرطی نوع دوم)

۱۰-گزینه ۲ ترجمه جمله: «اگر آب و هوای گرم دوست داشتند برای تعطیلات به اسپانیا می‌رفتند.»

توضیح: جمله بیان یک موضوع غیر واقعی است. به همین دلیل از شرطی نوع دوم استفاده می‌کنیم. باید توجه کنید که گزینه (۴) مفهوم مناسبی ندارد. در شرطی نوع اول، تلاش می‌کنیم مفهومی واقعی و محتمل را بیان کنیم. در این جمله «دوست داشتن آب و هوای گرم» احتمال منطقی برای رفتن به اسپانیا را فراهم نمی‌کند. در واقع، اصلاً شرطی نیست چرا که آن‌ها از قبل می‌دانند آب و هوای گرم را دوست دارند یا خیر.

۱۱-گزینه ۲ ترجمه جمله: ««من در لندن زندگی می‌کنم بنابراین خیلی اوقات به تالار اپرای سلطنتی می‌روم.» این جمله به این معناست که اگر من در لندن زندگی نمی‌کردم، زیاد به تالار اپرای سلطنتی نمی‌رفتم.»

توضیح: با توجه به حقیقت "I live in London"، در جاهای خالی نیاز به مفهوم غیر واقعی، یعنی شرطی نوع دوم داریم.

۱۲-گزینه ۱ ترجمه جمله: «اگر می‌خواهی در این دانشگاه درس بخوانی باید در آزمون ورودی پذیرفته شوی.»

توضیح: با توجه به "will have to" که بیانگر زمان آینده و مفهوم واقعی است، نیاز به زمان «حال ساده» در جای خالی داریم. (شرطی نوع اول مطرح است).

۱۳-گزینه ۴ ترجمه جمله: «بیتا، یک سؤال چالش‌برانگیز. اگر مج بهترین دوستت را در حال سرقت از کیف پولت می‌گرفتی، چه می‌کردی؟»

توضیح: فعل وجهی "would" نشانه‌ای برای ساختار شرطی نوع دوم است. پس در جمله شرط از زمان «گذشته ساده» استفاده می‌کنیم.

۳-گزینه ۳ ترجمه جمله: «به داستان گوش کن و با جملات کامل به سؤالات پاسخ بده.»

توضیح: حرف ربط "and" عامل اتصال "listen" و "answer" است.

۴-گزینه ۳ ترجمه جمله: «او یک یا دو دقیقه از پنجره به بیرون نگاه کرد و بعد بیرون رفت.»

توضیح: چون فاعل مشترک به قرینه حذف شده است، دیگر نیازی به ویرگول نیست. ضمناً "went" پیرو عمل "looked" آمده است.

۵-گزینه ۳ ترجمه جمله: «یکم سردم است. می‌شود کلاس را زودتر ترک کنم یا باید صبر کنم تا کلاس تمام شود؟»

توضیح: با توجه به وجود «انتخاب»، از حرف ربط "or" استفاده می‌کنیم. باید توجه کنید ساختار سؤالی همچنان حفظ می‌شود و مفهوم جای خالی دوم «اجبار» است.

درس ۲ پاسخ تست‌های جمع‌بندی

گرامر

دوازدهم

۱-گزینه ۲ ترجمه جمله: «می‌شود لطفاً هر کسی که تصادف را دید با پلیس تماس بگیرد؟»

توضیح: برای اشاره به "anyone" نیاز به ضمیر موصولی فاعلی "who" داریم.

۲-گزینه ۳ ترجمه جمله: «ای کاش می‌توانستم اسم مردی که این کامپیوتر را فروخت به خاطر بیاورم.»

توضیح: ضمیر "who" به "the man" برمی‌گردد. ساختار فاعلی است. پس بلافاصله بعد از "who" از یک فعل زمان‌دار استفاده می‌کنیم.

۳-گزینه ۳ ترجمه جمله: «زنی که جورج با او صحبت کرد در دفتر توسعه حرفه‌ای دانشگاه کار می‌کند.»

توضیح: بعد از جای خالی یک اسم آمده است. بنابراین نیاز به ضمیر موصولی مفعولی داریم.

۴-گزینه ۲ ترجمه جمله: «ساختمان خدمات دانشجویی که دفتر در آن قرار دارد نزدیک مرکز محوطه دانشگاه است.»

توضیح: به حالت‌های مختلف توجه کنید:

The Student Services Building **in which** the office is located is near the center of campus.

The Student Services Building **which** the office is located **in** is near the center of campus.

The Student Services Building **that** the office is located **in** is near the center of campus.

۵-گزینه ۴ ترجمه جمله: «یک لیوان شیر یا یک ظرف ماست پروتئین با کیفیتی دارد که برابر است با یک اونس گوشت یا پنیر یا یک تخم مرغ.»

توضیح: برای اشاره به "protein" نیاز به ضمیر موصولی "that" داریم. ضمناً چون بعد از جای خالی فعل "is" داریم، کاربرد این ضمیر فاعلی است.

۶-گزینه ۳ ترجمه جمله: «جزیره‌رین‌فارست از طبیعت خیلی خوبی برخوردار است. این جزیره جنگل‌های انبوه زیادی دارد که چوب زیبا تولید می‌کنند.»

ترجمه متن ۱:

کارشناسان هنر هنگام خریدن تابلوهای نقاشی باید بسیار محتاط و هشیار باشند. چراکه فریب کاری در دنیای هنر بسیار معمول است. Overpainting (رویه کاری) تنها یکی از مشکلات زیادی است که مدیران موزه‌های هنری که مسئول خرید و ارزیابی آثار هنری هستند با آن مواجه‌اند. آن‌ها همچنین باید مراقب استفاده نادرست از نام هنرمندان معروف، نسخه‌های جعلی، یا حتی اجزایی از تابلوهای نقاشی باشند که به عنوان اثری کامل فروخته می‌شوند.

Overpainting که رایج‌ترین مشکل است از این حقیقت به وجود می‌آید که اغلب آثار هنری قدیمی‌تر به اندازه زیادی تغییر کرده‌اند. وقتی که یک تابلوی نقاشی با دقت و بر اساس طراحی اصلی هنرمند مرمت یا تعمیر می‌گردد، به آن inpainting (پوشیده کاری) گفته می‌شود، اما وقتی این تعمیرات باعث تغییر ماهیت اثر با هدف بازارپسندتر کردن و با ارزش‌تر جلوه دادن آن شود، به آن overpainting می‌گویند. با این حال، امروزه دانش مدرن، به کمک خریداران آثار هنری می‌آید. نور فرابنفش و دستگاه‌های اشعه ایکس می‌تواند این دستکاری‌ها را تشخیص دهد. نوع دیگری از فریب کاری، که البته کمتر اتفاق می‌افتد قرار دادن نام یک هنرمند مشهور روی یک نقاشی نامرغوب و ضعیف است: کاری که در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ بسیار پرتکرار بود، آن هم وقتی که سطح دانش هنری در ایالات متحده خیلی بالا نبود و خریداران آمریکایی به راحتی فریب دلالت هنری اروپایی را می‌خوردند. علاوه بر این نوع فریب کاری‌ها، کپی‌های تابلوهای نقاشی معروف گاهی به عنوان آثار هنری اصل فروخته می‌شوند، چرا که برخی استادان قدیمی یک منظره معروف را چند بار نقاشی می‌کردند. اگر خوب می‌فروخت یا شاگردانشان کارهای بهتر آن‌ها (استادانشان) را کپی می‌کردند تا تمرین استایل و تکنیک کنند. علاوه بر این، دلالتی وجود دارند که یک نقاشی را به دو نیم یا چهار قسمت تقسیم می‌کنند. چرا که فروختن چهار نقاشی کوچک نسبت به فروختن یک نقاشی بزرگ برای آن‌ها بسیار پرسودتر است.

۱۸-گزینه ۲) ایده اصلی متن چیست؟ «تقلب در دنیای هنر و راه‌های مختلف آن».

۱۹-گزینه ۳) معنای inpainting چیست؟ «تعمیر یک نقاشی بر اساس طراحی اصلی هنرمند».

۲۰-گزینه ۱) در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ آمریکایی‌ها به راحتی فریب دلالت هنری اروپایی را می‌خوردند. زیرا «دانش هنری نداشتند».

۲۱-گزینه ۳) مرجع ضمیر it که در بند آخر زیرش خط کشیده شده است به نقاشی «یک منظره معروف» اشاره دارد.

ترجمه متن ۲:

تلویزیون به حدی رواج پیدا کرده است که اکنون بسیاری از کودکان بریتانیایی آن را با دیگر فعالیت‌هایشان، از جمله فعالیت در شبکه‌های اجتماعی پیوند زده‌اند؛ یعنی از صفحه نمایش لپ‌تاپشان به صفحه تلویزیون نگاه می‌کنند و دوباره سراغ لپ‌تاپشان می‌روند. با اینکه آن‌ها بر روی تماشای تلویزیون تمرکز دارند، افراد جوان اینک مایل نیستند که تنها یک برنامه را دنبال کنند؛ به ویژه پسران اغلب کانال‌ها را تغییر می‌دهند تا دو برنامه را به صورت هم‌زمان دنبال کنند. تحقیقات انجام شده توسط آژانس تحقیقات بازار Childwise، نگرانی‌ها را در این باره افزایش می‌دهد که دوران کودکی به نحو روبه‌رشدی به حریم خصوصی و فعالیت‌های بدون تحرک مربوط می‌شود و کمتر دربرگیرنده بازی، تعاملات اجتماعی و یا تخیلات خود کودک است.

«طرح کودکان» اخیر دولت روی بهبود امکانات تفریحی به عنوان وسیله‌ای برای تضمین زندگی متعادل‌تر برای جوانانی که زمان زیادی را به تماشای تلویزیون می‌پردازند تمرکز کرده است. یافته‌های تحقیقات کنونی نشان می‌دهد که میزان تماشای تلویزیون پس از سه سال کاهش در بین کودکان دوباره رو به افزایش است. این موضوع عمدتاً به این دلیل است که دختران بیشتری سریال‌های تلویزیونی تماشا می‌کنند.

استفاده از اینترنت نیز به سرعت در حال افزایش است. این یعنی کودکان بریتانیایی به‌طور میانگین پنج ساعت و بیست دقیقه از وقت‌شان در طول روز را جلوی صفحه نمایش سپری می‌کنند؛ رقمی که بیش از پنج سال پیش چهار ساعت و چهل دقیقه بود. از طرف دیگر، مطالعه تفریحی (غیردرسی) به عنوان یک سرگرمی معمولی، همچنان در حال کاهش است. اگرچه از هر پنج کودک چهار کودک در زمان فراغت مطالعه می‌کنند، اما تنها یک‌چهارم این کار را به صورت روزانه و ۵۳٪ حداقل یک‌بار در هفته انجام می‌دهند.

۲۲-گزینه ۱) اساساً متن به بحث در مورد چه موضوعی پرداخته است؟ «گسترش عادات بد بین کودکان».

۲۳-گزینه ۲) طبق متن، کدام یک از موارد زیر یک روند نزولی بین کودکان داشته است؟ «تعاملات اجتماعی».

۲۴-گزینه ۱) طبق متن، کدام از موارد زیر غلط است؟ «تماشای تلویزیون در طی ده سال اخیر در حال کاهش بوده است».

۲۵-گزینه ۴) کدام یک از موارد زیر به بهترین شکل نقش (کارکرد) عملکرد پاراگراف (۳) را در رابطه با پاراگراف‌های (۱) و (۲) نشان می‌دهد؟ «نکات مطرح شده در آن پاراگراف‌ها را بیشتر تصدیق می‌کند».

پاسخ آزمون ۱۷

۱-گزینه ۲) ترجمه جمله: «تقریباً ۴۰ درصد از برندگان جایزه نوبل کشور از سال ۲۰۰۰ در خارج از کشور متولد شده‌اند».

توضیح: ترکیب "to be born" (به معنای متولد شدن) متعدی است. دقت کنید که به دلیل ویژگی فعل مورد نظر (عمل متولد شدن در گذشته انجام شده) زمان گذشته ساده درست است. دقت کنید که خود ریشه این ترکیب، یعنی فعل "bear" به معنای «به دنیا آوردن» است. یک مثال ببینید:

She might never be able to bear children.

او شاید هرگز قادر به به دنیا آوردن فرزند نباشد.

۲-گزینه ۳) ترجمه جمله: «اطلاعات از بازارهای مختلف خرده فروشی جمع‌آوری شدند و به پایگاه داده وارد شدند».

توضیح: اسم "information" غیر قابل شمارش است، پس فعل آن همیشه مفرد است. ضمناً، به دلیل وجود حرف ربط همپایه‌ساز "and"، دو فعل قبل و بعد دارای ساختار موازی هستند. دقت کنید که قبل از فعل دوم "was entered" حذف شده است (حذف به قرینه).

۳-گزینه ۲) ترجمه جمله: «A: جان برای انجام این کار به اندازه کافی باتجربه نیست، هست؟ B: نه، من فکر نمی‌کنم باشد».

توضیح: با توجه به جواب منفی "no"، در پاسخ باید از "I don't think" استفاده کنیم. ضمناً به دلیل وجود "isn't" در جمله اول، گزینه‌های (۳) و (۴) نادرست هستند.

۴-گزینه ۲) ترجمه جمله: «شما می‌توانید به فعالیت‌های در حیات خلوت بپیوندید، یا می‌توانید در داخل بازی کنید».

توضیح: با توجه به کاربرد «اجازه دادن» فعل وجهی "may" و وجود دو انتخاب، از حرف ربط "or" استفاده می‌کنیم.

۵-گزینه ۴) ترجمه جمله: «از آنجایی که ما می‌توانیم از سبزتر ساختن شهرهایمان سود بسیاری ببریم، ما باید برای انجام این کار از هیچ تلاشی مضایقه نکنیم».

dedicate (v.) اختصاص دادن. وقف کردن

The actress now **dedicates** herself to children's charity work.
بازیگر زن اکنون خود را وقف کار خیریه کودکان می‌کند.

dedicated (adj.) متعهد، متعصب

She is a **dedicated** socialist. او یک سوسیالیست متعصب است.

۹-گزینه ۲ ترجمه جمله: «اگر دانشمندی سالخورده اما برجسته می‌گوید که چیزی امکان پذیر است، او تا حد زیادی درست می‌گوید؛ اما اگر او می‌گوید که کاری غیرممکن است، به احتمال زیاد اشتباه می‌کند.»

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) هیجان‌انگیز / (۲) برجسته / (۳) بی‌علاقه / (۴) متعجب

distinguish (v.) وجه تمایز قائل شدن، تشخیص دادن

The factor that **distinguishes** this company from the competitors is customer service.

عاملی که این شرکت را از رقبایش تمایز می‌دهد، خدمات مشتری است.

I have trouble **distinguishing** between the two of them.

من در تشخیص دو تا از آن‌ها مشکل دارم.

distinguished (adj.) برجسته، فرهیخته

He was known as a **distinguished** university professor, too. (Vision 3 – Page 20)

او همچنین به عنوان استاد دانشگاه برجسته شناخته شده بود.

۱۰-گزینه ۳ ترجمه جمله: «پیشانی شما برای من نسبتاً گرم است؛ اجازه

بدهید دمای بدنتان را بگیرم و بینم تب دارید یا نه.»

ترجمه گزینه‌ها در حالت مصدری:

(۱) اضافه کردن / (۲) انجام دادن / (۳) گرفتن / (۴) ساختن

take sb's temperature دمای بدن کسی را گرفتن

While the nurse is **taking her temperature**, they start talking. (Vision 3 – Page 19)

درحالی که پرستار دمای بدن او را می‌گیرد، آن‌ها شروع به صحبت می‌کنند.

۱۱-گزینه ۴ ترجمه جمله: «زیرنویس‌ها و عنوان‌ها برای کمک به حمایت از

جامعه ناشنواها یا کم‌شنواها طراحی شده‌اند و حتی به سخنرانان اجازه می‌دهند تا ترجمه یک سخنرانی را نیز در آنجا قرار بدهند.»

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) ترسیده / (۲) مغرور / (۳) ضعیف / (۴) سخت

hard of hearing کم‌شنوا

We have to speak louder, because my grandmother is **hard of hearing**. (Vision 3 – Page 21)

ما مجبوریم بلندتر صحبت کنیم، زیرا مادربزرگ من کم‌شنوا است.

۱۲-گزینه ۴ ترجمه جمله: «پسر من، که یک مدیرعامل است، بسیار

مشغول است و متأسفانه، اما نه تعجب‌آور، او اغلب با من تماس نمی‌گیرد.»

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) به‌طور جدی / (۲) امیدوارانه / (۳) بی‌قید و شرط / (۴) تعجب‌آور

توضیح: به تست ۱۷ از آزمون شماره ۱۵ توجه کنید.

ترجمه گزینه‌ها در حالت مصدری:

(۱) بخشیدن / (۲) رشد کردن / (۳) ملاحظه کردن / (۴) مضایقه کردن، چشم‌پوشی کردن

spare (v.) مضایقه کردن، چشم‌پوشی کردن، اختصاص دادن

No one knows why the gunman shot some people and **spared** others.

هیچ‌کس نمی‌داند که چرا مرد مسلح بعضی‌ها را کشت و از کشتن دیگران صرف‌نظر کرد.

Can you **spare** (me) a few minutes?

ممکن است چند دقیقه (از وقت را) به من اختصاص دهی؟

spare no pains/effort از هیچ تلاشی مضایقه نکردن

Dr. Gharib was also a generous man. He **spared no pains** to cure sick children. (Vision 3 – Page 19)

دکتر غریب نیز یک مرد سخاوتمند بود. او برای درمان کودکان مریض از هیچ تلاشی مضایقه نکرد.

۶-گزینه ۳ ترجمه جمله: «همان‌طور که به یاد خواهی آورد، من می‌خواستم

ملاقات کنم، بنابراین به پشت صحنه رفتم. این (اتفاق) قبلاً و تا به حال هرگز برای من اتفاق نیفتاده بود! تو در را باز کردی. من ناگهان به گریه افتادم و ما در آغوش یکدیگر افتادیم.»

ترجمه گزینه‌ها در حالت مصدری:

(۱) فاقد... بودن / (۲) مراقبت کردن / (۳) ناگهان به گریه افتادن / (۴) جای گرفتن، جایگزین شدن

burst (v.) ترکیدن، منفجر کردن، ناگهان اتفاقی افتادن

The balloon **burst**. بالون ترکید.

burst into tears: to cry suddenly ناگهان به گریه افتادن

Aida **burst into tears** when she saw her score.

(Vision 3 – Page 23)

آیدا وقتی نمره‌اش را دید، ناگهان به گریه افتاد.

۷-گزینه ۲ ترجمه جمله: «آژان برام یکبار گفت: «هرکسی اشتباه می‌کند. عاقل

کسانی نیستند که هرگز اشتباه نمی‌کنند، بلکه کسانی هستند که خودشان را می‌بخشند و از اشتباهاتشان درس می‌گیرند.»

ترجمه گزینه‌ها در حالت مصدری:

(۱) تولید کردن / (۲) بخشیدن / (۳) ترجمه کردن / (۴) تعلق داشتن

forgive (v.) بخشیدن

forgive: to stop being angry with someone خشمگین نبودن از کسی

Mom **forgave** me for breaking the vase. (Vision 3 – Page 23)

مادر، من را برای شکستن گلدان بخشید.

forgiveness (n.) بخشش

It was a terrible sin, she said, which means we've got to pray for **forgiveness**.

او گفت این یک گناه وحشتناک است و این حرف یعنی ما باید برای بخشش دعا کنیم.

۸-گزینه ۱ ترجمه جمله: «برخی کارگران دولتی متعهد هستند و سخت کار

می‌کنند، اما اکثر آن‌ها فقط منتظر بازنشستگی هستند.»

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) متعهد / (۲) مخرب / (۳) اقتصادی / (۴) راحت

ترجمه کلوز تست:

گل‌سنگ‌ها یکی از انواع نادر حیات هستند که می‌توانند در کوهستان‌های جنوبگان زنده بمانند. این گیاهان کوچک در حفره‌های ریزسنگ‌ها زندگی می‌کنند. در بیرون، سرمای شدید و بادهای شدید^(۱۳) به‌طور کلی از زنده ماندن هر موجود زنده‌ای جلوگیری می‌کند. در درون حفره‌ها، این گل‌سنگ‌ها می‌توانند آب کافی و گرما^(۱۴) پیدا کنند تا زنده بمانند، با این وجود که بسیاری اوقات یخ‌زده هستند^(۱۵). این حقیقت به این معناست که گل‌سنگ به شدت کند عمل می‌کند^(۱۶) و بسیار طولانی عمر می‌کند. دانشمندان اعتقاد دارند که گل‌سنگ می‌تواند هزاران سال زنده بماند. اگر این درست باشد^(۱۷)، گل‌سنگ ممکن است جزء قدیمی‌ترین گونه حیات در زمین باشد.

۱۳- گزینه ۳ ترجمه گزینه‌ها:

(۱) تند (۲) سریع (۳) شدید، قوی (۴) سنگین

توضیح: به‌هم‌آبی‌های "strong wind" و "heavy rain" که در متن درس ۱ دوازدهم نیز آمده‌اند توجه کنید.

۱۴- گزینه ۴ ترجمه گزینه‌ها:

(۱) سلامتی (۲) رشد (۳) قدرت (۴) گرما

۱۵- گزینه ۴

توضیح: فعل "freeze" در اینجا متعدی است و مفعول بعد از آن به کار نرفته است. بنابراین، وجه جمله مجهول است. ضمناً چون تست اشاره به یک وضعیت کلی دارد، از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم.

۱۶- گزینه ۱ ترجمه گزینه‌ها در حالت مصدری:

(۱) عمل کردن (۲) توضیح دادن (۳) دریافت کردن (۴) ترکیب شدن

توضیح: به تست ۹ از آزمون شماره ۱۰ رجوع کنید.

۱۷- گزینه ۱ توضیح: به معنای گزینه‌ها و ارتباط آن‌ها با جمله قبل و بعد از جای خالی توجه کنید.

ترجمه متن ۱:

خواجه شمس‌الدین محمد حافظ در بین سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۳۷ در شیراز متولد شد. اطلاعات قابل اعتماد بسیار کمی در مورد زندگی حافظ در دست است، به خصوص دوران اولیه زندگی‌اش. با قضاوت از روی شعرهایش، احتمالاً باید تحصیلات خوبی داشته باشد. گفته شده است که با گوش دادن به تلاوت‌های پدرش، حافظ کتاب قرآن کریم را در سنین پایین حفظ کرده است. همچنین معتقدند که حافظ آثار مولانا، سعدی، عطار و نظامی را از بر بوده است. به عنوان یک مرد جوان، حافظ شاعر دربار ابوسحاق شد که در شهر خودش شهرت و نفوذ نصیب او کرد. ممکن است که حافظ در آن زمان به عنوان معلم در مدرسه قرآنی کار کرده باشد. وقتی حافظ در اوایل دهه سی‌سالگی‌اش بود، «مبارز مظفر» شیراز را تسخیر کرد و ظاهراً حافظ را از شغلش برکنار کرد. در سن ۵۲، حافظ بار دیگر موقعیتش را در دربار پس گرفت و احتمالاً یک دعوتنامه شخصی از شاه شجاع دریافت کرده باشد که از او خواست بازگردد. عموماً باور دارند که حافظ در سن ۶۹ سالگی فوت کرد. آرامگاه او در باغ‌های مصلی شیراز واقع شده است که به آن حافظیه گفته می‌شود. موضوع غزلیات او درباره عشق، ایمان و توضیح ریاکاری است. او در غزلیاتش از عشق، می و میخانه استفاده می‌کند که همه نشان‌دهنده شور و هیجان و آزادی از بندها است، چه در واقعیت و چه از زبان یک عاشق که از معشوق الهی سخن می‌گوید. تأثیرگذاری او در زندگی فارسی‌زبانان در «فال حافظ» و استفاده پر تعداد از اشعار او در موسیقی سنتی فارسی، هنرهای تجسمی و خطاطی فارسی یافت می‌شود. آرامگاه او پذیرای بازدیدکنندگان بسیاری است. اقتباس‌ها، تقلیدها و ترجمه‌های اشعار او در تمامی زبان‌های اصلی وجود دارد.

۱۸- گزینه ۲ گفته می‌شود که حافظ کتاب مقدس قرآن را حفظ کرد «هنگامی که پدرش آن را با صدای بلند می‌خواند.»

۱۹- گزینه ۱ گفته می‌شود که حافظ اشعار تمامی شعرای زیر را از حفظ بوده است، به جز «فردوسی.»

۲۰- گزینه ۱ وقتی مظفر به شیراز حمله کرد «حافظ ۳۵ سال یا کمتر سن داشت.»

۲۱- گزینه ۲ حافظیه جایی است که «حافظ در آن دفن شده است.»

ترجمه متن ۲:

تفاوت بزرگی وجود دارد میان میزان خوابی که می‌توانید داشته باشید و میزان خوابی که بایستی برای عملکرد بهینه داشته باشید. طبق گفته موسسه ملی بهداشت، یک فرد بالغ معمولی هر شب کمتر از هفت ساعت می‌خوابد. در جامعه پرسرعت امروزی، شش یا هفت ساعت خواب ممکن است خیلی خوب به نظر برسد. اما در حقیقت، اگر بتوانید به این میزان بخوابید، به احتمال خیلی زیاد به اندازه‌ای که نیاز دارید نخوابیده‌اید. اینکه با شش یا هفت ساعت خواب می‌توانید فعالیت داشته باشید به این معنا نیست که اگر یک یا دو ساعت بیشتر در تخت خواب می‌گذرانید احساس خیلی بهتری نمی‌کردید. با اینکه نیاز به خواب از فرد به فردی دیگر اندکی تفاوت دارد، اغلب بزرگسالان سالم به ۷ الی ۹ ساعت خواب در شبانه‌روز نیاز دارند تا بتوانند بهترین عملکرد را داشته باشند. کودکان و نوجوانان حتی به خواب بیشتری احتیاج دارند. و برخلاف این باور که نیاز ما به خواب با افزایش سن کاهش می‌یابد، بیشتر افراد مسن همچنان به حداقل ۷ ساعت خواب نیاز دارند. از آنجایی که بزرگسالانی که سن بالاتری دارند با خوابیدن به این مدت در طول شب مشکل دارند، چرت‌زدن‌های کوتاه طی روز می‌تواند این خلأ را پر کند.

۲۲- گزینه ۳ موضوع اصلی متن چیست؟ «میزان خوابی که انسان‌ها نیاز دارند.»

۲۳- گزینه ۴ طبق متن تعداد ساعت مناسب برای خواب برای افراد «دقیقاً یک اندازه نیست.»

۲۴- گزینه ۲ منظور نویسنده از «این میزان» در پاراگراف اول چیست؟ «شش یا هفت ساعت خواب»

۲۵- گزینه ۴ نویسنده احتمالاً با کدام عبارت زیر بیشتر می‌تواند موافق باشد؟ «به‌طور کلی کودکان و نوجوانان به بیش از ۷ الی ۹ ساعت خواب در روز نیاز دارند.»

پاسخ آزمون ۱۸

۱- گزینه ۳ ترجمه جمله: «دوچرخه‌ام به سرقت رفته است! می‌خواهم به پلیس زنگ بزنم.»

توضیح: فعل "steal" به معنای «دزدیدن» متعدی است و چون مفعول بعد از آن به کار نرفته است، وجه جمله مجهول است. گزینه‌های (۳) و (۴) مجهول هستند. گزینه (۴) شکل مجهول زمان گذشته استمراری است که به لحاظ معنایی در اینجا نادرست است.

۲- گزینه ۱ ترجمه جمله: «تا جایی که من می‌دانم، مونالیزا توسط لئوناردو داوینچی نقاشی شد.»

توضیح: اولاً، عمل طراحی و نقاشی «مونالیزا» در گذشته رخ داده و تمام شده؛ پس فعل گذشته ساده صحیح است. ثانیاً، اصطلاح "as far as I know" یعنی «تا جایی که من می‌دانم». باین اصطلاح در بخش شنیداری درس ۲ دوازدهم، صفحه ۱۰۶ آشنا شدید: Zohreh: This weekend is my birthday. I have invited everyone but Mina.

with/in regard to

نسبت به، درباره، درخصوص

Important changes are being made **in regard to** security.تغییرات مهمی **در خصوص** امنیت در حال شکل گرفتن است.**regardless (of)**

علی‌رغم، با وجود

We will continue the race, **regardless** of the weather.ما **علی‌رغم** وضعیت بد هوا، مسابقه را ادامه می‌دهیم.

۷-گزینه ۴) ترجمه جمله: «ارتباط آدم‌ها با میرانشان، همانند ارتباط یک

بچه با مادرش است.»

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) دلیل / (۲) همبستگی، اتحاد / (۳) موفقیت / (۴) میراث

heritage (n.)

میراث، یادگار

Yet another important thing is our **heritage** and culture.

(Vision 3 – Page 41)

مسئله مهم دیگر **میراث** و فرهنگ ماست.**inherit (v.)**

ارث بردن

He **inherited** a fortune from his grandmother.او ثروت زیادی از مادربزرگش **به ارث برد**.**heir (n.)**

وارث

His **heirs** could inherit millions of dollars.**وارث** او می‌توانند میلیون‌ها دلار **ارث** ببرند.**inheritance (n.)**

ارث

She began her own business with the **inheritance** she got from her grandfather.او کسب و کار خود را با **ارثی** که از پدربزرگش **برد** آغاز کرد.

۸-گزینه ۳) ترجمه جمله: «متوجه خواهی شد که آدمی چیز زیادی از پیروز

شدن نمی‌آموزد. با این وجود، باختن است که می‌تواند **خرد** و دانایی **برانگیزد**.»ترجمه گزینه‌ها در حالت **مصدری**:(۱) جایگزین کردن / (۲) کوتاهی کردن، بخشیدن / (۳) **برانگیختن**، بیرون کشیدن /

(۴) تلاش کردن

elicit (v.)

بیرون کشیدن، آشکار ساختن

The test uses pictures to **elicit** words from the child.آزمون از عکس استفاده می‌کند تا کلمات را از زبان بچه‌ها **بیرون بکشد**.

۹-گزینه ۳) ترجمه جمله: «الف: ممنون که همه شهر را به من نشان دادی.

شما میزبان فوق‌العاده‌ای هستی. ب: **حیف شد** که پرواز شما فردا است. می‌توانستمجاهای بیشتری را نشان‌تان **دهم**! الف: سعی می‌کنم به زودی **بازهم** بیایم.»

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) به نظر من اشتباه است / (۲) تعجب برانگیز نیست / (۳) **حیف شد** / (۴) بسیار

تأثیرگذار است.

pity (n.)

دلسوزی، ترحم، افسوس

I listened to Jason's story with **pity**.من به داستان جیسون با **ترحم** گوش دادم.**It's a pity!** I didn't know such a great man. (Vision 3 – Page 20)**حیف** که من همچنین انسان بزرگی را نمی‌شناختم.**pity (v.)**

ترحم کردن، دلسوزی کردن

Pity the poor teachers who have to deal with these kids.**دل**م برای معلمان بیچاره‌ای که باید با این بچه‌ها بسازند، **می‌سوزد**.Maryam: Why not? If I were you I would certainly invite her. **As far as I know** you were close friends at school.

زهرة: این آخر هفته تولد من است. همه را به غیر از مینا دعوت کردم.

مریم: چرا؟ اگر جای تو بودم حتماً او را دعوت می‌کردم. تا جایی که می‌دانم در

مدرسه دوستان نزدیکی بودید.

۳-گزینه ۳) ترجمه جمله: «تو می‌توانی برای نیم‌ساعت مراقب بچه‌ها باشی

تا من جان را از سر کار بیاورم، مگر نه؟»

توضیح: جمله "while I fetch John from work" به دلیل وجود حرف ربط

"while" پیرو است. بنابراین دنباله سؤالی برای جمله اول می‌آید.

۴-گزینه ۱) ترجمه جمله: «من در یک آپارتمان در طبقه آخر زندگی

می‌کنم. من باغچه‌ای ندارم اما یک بالکن دارم.

توضیح: در این جمله، تنها "but" می‌تواند به دلیل وجود مفهوم تضاد جای خالی را پر کند.

۵-گزینه ۴) ترجمه جمله: «یافته‌های آن‌ها این است که تغییرات آب و

هوایی کشاورزی، کسب و کار و شهروندان آمریکایی را به خطر می‌اندازد. راه‌حل

این است که با سرعت با یک نظام اقتصادی دارای کربن کم و انرژی پاک سازگار

شویم که در عین حال باعث **افزایش** شغل و اقتصاد شود.»ترجمه گزینه‌ها در حالت **مصدری**:(۱) تکرار کردن / (۲) علامت دادن / (۳) ربط دادن به / (۴) **افزایش** دادن، زیاد کردن**boost (v.)**

زیاد کردن، بالا بردن

Kindness **boosts** energy and strength in elderly people.

(Vision 3 – Page 15)

مهربانی، انرژی و قدرت را در انسان‌های مسن **افزایش** می‌دهد.**boost (n.)**

افزایش، ترقی

The community will get a **boost** from a new library and recreation center.اجتماع از ایجاد یک کتابخانه و مرکز تفریحی جدید **رونق** پیدا می‌کند.**booster (n.)**

حامی، پشتیبان، ارتقاءدهنده

Fruit is an excellent health **booster**.میوه یک **حامی** عالی برای سلامتی است.

۶-گزینه ۲) ترجمه جمله: «جیمز ام. باری زمانی گفت: «عشق، کوری

نیست، بلکه چشمی اضافه است، که به ما نشان می‌دهد چه چیزی بیشترین

ارزش را برای **توجه کردن** دارد.»»

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) صلح / (۲) **توجه**، احترام / (۳) اصول اخلاقی / (۴) راهنما**regard (v.)**

توجه کردن، احترام گذاشتن، به حساب آوردن

Why was Dr. Gharib **regarded** as a kind physician?

(Vision 3 – Page 20)

چرا دکتر قریب به عنوان یک پزشک مهربان **به حساب** می‌آید؟**regard (n.)**

نگاه، توجه

The road was built without **regard** for the safety of residents.این جاده بدون **توجه** به ایمنی ساکنین ساخته شده است.**regarding (prep.)**

درباره، مربوط به

We have much to learn from our parents **regarding** our heritage, to be proud of our past. (Vision 3 – Page 41)ما باید خیلی چیزها را **درباره** میراث خود از والدینمان یاد بگیریم، تا به گذشته

خود افتخار کنیم.